

مطالعات معماری ایران ۱۷

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال نهم، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۹



- ◆ باز آفرینی ساختار مجموعه صاحب آباد تبریز بر پایه مستندات تاریخی
 - عیسی حجت / آریتا بلالی اسکویی / ثنا یزدانی
- ◆ جستاری در ریشه‌های پیدایش تالار در معماری عصر صفوی
 - روح‌الله مجتهدزاده / زهرا نام‌آور
- ◆ بررسی عوامل مؤثر بر تحول کالبدی خانه و فرهنگ زندگی در یک قرن اخیر ایران
 - محیا حق‌شناس / پیروز حناچی
- ◆ دروازه در شهرهای سده‌های نخست اسلامی ایران
 - پریسا رحیم‌زاده / زهرا اهری
- ◆ پایداری در معماری استقرارگاه‌های منظر فرهنگی میمند
 - مهناز اشرفی
- ◆ مطالعه توسعه شهری اصفهان از دوره شاه‌عباس یکم تا دوره شاه‌عباس دوم با تأکید بر نقش زاینده‌رود
 - مریم رضایی‌پور / محمدرضا فرزاد بهتاش
- ◆ تحلیل پایداری لرزه‌ای سه قوس ایرانی
 - فرزین ایزدپناه / سروناز سرداری
- ◆ معرفی و گونه‌شناسی تزیینات هندسی در آرایه‌های معماری گنبد سلطانیه
 - احمد صالحی کاخکی / بهاره تقوی‌نژاد
- ◆ معماری اسلامی از منظر آراء فارابی با تأکید بر احصاء العلوم
 - حمیدرضا فرشچی
- ◆ واکاوی تعارض ذی‌نفعان در نواحی تاریخی شهری، مورد پژوهی طرح حریم حفاظتی محله سنگلج تهران
 - طاهره متقی / مجتبی رفیعیان / حمیدرضا صارمی
- ◆ تبیین یک رویکرد پراگماتیک به موضوع مکان‌سازی در بافت‌های تاریخی شهر ایرانی
 - مرتضی هادی جابری‌مقدم / فاطمه فرجام‌طلب
- ◆ تبیین مؤلفه‌ها و پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهاى زندگی
 - محسن افشاری

مطالعات معماری ایران

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال نهم، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صاحب امتیاز: دانشگاه کاشان
مدیر مسئول: دکتر علی عمرانی پور
سر دبیر: دکتر غلامحسین معماریان
مدیر داخلی: دکتر بابک عالمی

هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا):
دکتر ایرج اعتصام، استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات
دکتر مجتبی انصاری، دانشیار دانشگاه تربیت مدرس
دکتر امیرحسین چیت‌سازیان، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر پیروز حناچی، استاد دانشگاه تهران
دکتر شاهین حیدری، استاد دانشگاه تهران
دکتر ابوالقاسم دادور، استاد دانشگاه الزهرا (س)
دکتر بابک عالمی، استادیار دانشگاه کاشان
دکتر علی عمرانی پور، استادیار دانشگاه کاشان
دکتر حسین کلانتری، دانشیار جهاد دانشگاهی
دکتر اصغر محمد مرادی، استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر غلامحسین معماریان، استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محسن نیازی، استادیار دانشگاه کاشان

درجه علمی پژوهشی دوفصلنامه مطالعات معماری ایران طی نامه شماره ۱۶۱۶۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۱ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

پروانه انتشار این نشریه به شماره ۹۰/۲۳۰۳۰ مورخ ۹۱/۹/۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

این نشریه حاصل همکاری مشترک علمی دانشگاه کاشان با دانشکده معماری دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهرا (س)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه شهید رجایی و پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی است. نشریه مطالعات معماری ایران در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir) و بانک اطلاعات نشریات کشور (magiran.com) نمایه می‌شود.

تصاویر بدون استناد در هر مقاله، متعلق به نویسنده آن مقاله است.

(نسخه الکترونیکی مقاله‌های این مجله، با تصاویر رنگی در تارنمای نشریه قابل دریافت است.)

عکس روی جلد: محمد موحدنژاد	ویراستار ادبی فارسی: معصومه عدالت‌پور
(مدرسه عباسی، مسجد امام اصفهان)	ویراستار انگلیسی: مهندس غزل نفیسه تابنده
همکار اجرایی: مهندس نغمه اسدی چیمه	دورنگار: ۰۳۱-۵۵۹۱۳۱۳۲
نشانی دفتر نشریه: کاشان، بلوار قطب راوندی، دانشگاه کاشان، دانشکده معماری و هنر، کدپستی: ۸۷۳۱۷-۵۳۱۵۳	پایگاه اینترنتی: jias.kashanu.ac.ir
رایانامه: j.ir.arch.s@gmail.com	

شاپا: ۰۶۳۵-۲۲۵۲

ناشر: مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (RICEST)

انتشارات: ۰۷۱-۳۶۴۶۸۴۵۲ نمایر: ۰۷۱-۳۶۴۶۸۳۵۲

این نشریه در «ایران ژورنال» نظام نمایه‌سازی مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (RICEST) به نشانی

http://ricest.ac.ir و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) به نشانی http://isc.gov.ir نمایه می‌شود.



دانشگاه تربیت مدرس

فهرست

- ۵ باز آفرینی ساختار مجموعه صاحب آباد تبریز بر پایه مستندات تاریخی
عیسی حجت / آریتا بلالی اسکویی / ثنا یزدانی
- ۳۵ جستاری در ریشه‌های پیدایش تالار در معماری عصر صفوی
روح‌الله مجتهدزاده / زهرا نام‌آور
- ۵۷ بررسی عوامل مؤثر بر تحول کالبدی خانه و فرهنگ زندگی در یک قرن اخیر ایران
موردپژوهی: تحولات الگوی خانه در شهر تاریخی لار
محیا حق‌شناس / پیروز حناچی
- ۷۷ دروازه در شهرهای سده‌های نخست اسلامی ایران
پریسا رحیم‌زاده / زهرا اهری
- ۹۷ پایداری در معماری استقرارگاه‌های منظر فرهنگی میمند
مهناز اشرفی
- ۱۲۳ مطالعه توسعه شهری اصفهان از دوره شاه‌عباس یکم تا دوره شاه‌عباس دوم با تأکید بر نقش زاینده‌رود
مریم رضایی پور / محمدرضا فرزاد بهتاش
- ۱۴۳ تحلیل پایداری لرزه‌ای سه قوس ایرانی
فرزین ایزدپناه / سروناز سرداری
- ۱۶۵ معرفی و گونه‌شناسی تزئینات هندسی در آرایه‌های معماری گنبد سلطانیه
احمد صالحی کاخکی / بهاره تقوی‌نژاد
- ۱۷۹ معماری اسلامی از منظر آراء فارابی با تأکید بر احصاء العلوم
حمیدرضا فرشچی
- ۱۹۷ واکاوی تعارض ذی‌نفعان در نواحی تاریخی شهری
موردپژوهی طرح حریم حفاظتی محله سنگلج تهران
طاهره متقی / مجتبی رفیعیان / حمیدرضا صارمی
- ۲۱۹ تبیین یک رویکرد پراگماتیک به موضوع مکان‌سازی در بافت‌های تاریخی شهر ایرانی
(نمونه مطالعاتی: راسته‌بازار استر و مردخای شهر همدان)
مرتضی‌هادی جابری‌مقدم / فاطمه فرجام‌طلب
- ۲۳۷ تبیین مؤلفه‌ها و پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهای زندگی
محسن افشاری
- ۲۵۳ راهنمای تدوین و ارسال مقاله
- ۲۵۵ بخش انگلیسی

پایداری در معماری استقرارگاه‌های منظر فرهنگی میمند

مهناز اشرفی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸

چکیده

معماری بومی که به لحاظ اصالت و سازگاری خود با تغییرات در طی سالیان سال به خوبی از پس فرازونشیب‌های تحولات برآمده، گواه و سند گویایی برای بازشناسی اصول و ویژگی‌های لازم در یک معماری ماندگار و پایدار است. هدف از این تحقیق، بازبانی پایداری و معیارهای مربوط به آن در معماری یک مجموعه تاریخی است. در این میان، منظر فرهنگی میمند که در سال ۱۳۹۴ در فهرست میراث جهانی قرار گرفته است، به دلیل وجود استقرارگاه‌ها و معماری متفاوت که تداوم زندگی سنتی هنوز در آن وجود دارد، به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است. در این تحقیق، از روش مطالعه موردی استفاده و بر اساس آن در یک برنامه زمانی چهارساله (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷) و با ابزارهای مطالعه اسنادی، مصاحبه‌های عمیق و مشاهده مشارکتی، ویژگی‌های معماری در سه استقرارگاه منظر فرهنگی میمند، شناسایی و در نهایت از طریق بررسی و استخراج مصاحبه‌ها، مؤلفه‌های مرتبط با پایداری مشخص و دسته‌بندی شدند. روش کنترل و اعتبارسنجی از طریق مراجعه به افراد و به‌ویژه کارشناسان بومی حاصل شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد معماری منظر فرهنگی میمند در تعامل کامل با ویژگی‌های سرزمینی است و معماری زمانی می‌تواند به عنوان یک عامل پایدار مطرح شود که متکی بر سبک زندگی و فعالیت‌های منطبق با بستر فرهنگی طبیعی باشد. مجموعه این عوامل القاکننده اعتبار فرهنگی به‌ویژه اصالت آن مکان است. شاخص‌های پایداری تحقیق به آشکار کردن این اعتبار فرهنگی کمک کردند.

کلیدواژه‌ها:

پایداری، معماری بومی، اصالت، میراث، میمند.

* استادیار، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ashrafi.mahnaz@gmail.com

پرسش‌های پژوهش

۱. ابعاد مختلف پایداری در مواجهه با معماری استقرارگاه‌های سه‌گانه میمند چگونه ترسیم می‌شوند؟
۲. ویژگی‌های پایداری در معماری استقرارگاه‌های منظر فرهنگی میمند کدام‌اند؟
۳. چه عواملی در شکل‌گیری متمایز معماری استقرارگاه‌های میمند مؤثر بوده‌اند؟

مقدمه

واژه پایداری اگرچه به نظر پدیده‌ای جدید در چند دهه اخیر است، از لحاظ مفهومی و تجربی موضوعی ناآشنا در گذشته جوامع بشری نبوده است. پایداری که در دهه ۶۰ میلادی رویکردی زیست‌محیطی داشت، کم‌کم در حوزه‌های مختلف نیز مطرح و ابعاد آن توسعه یافت. مفهوم توسعه پایدار به فهمی عمیق از تعامل انسان با محیط و نیز رابطه انسان‌ها با یکدیگر نیاز دارد. این مفهوم در جایی که توسعه و رشدی سازگار با شرایط اجتماعی اقتصادی و زیست‌محیطی مد نظر است، اهمیت می‌یابد و ایجاد توازن بین این شرایط از اهداف توسعه پایدار است. از طرفی در مباحث میراثی که با ارزش‌های متنوع ملموس و ناملموس مواجهیم، برقراری تعادل هوشمند و ماندگار بین این ارزش‌ها، وجه غالب موضوعیت پایداری و حفاظت به حساب می‌آید. در واقع با برقراری تعادل بین ارزش‌های زیست‌محیطی و میراث ساخته‌شده، منابع (اعم از طبیعی یا مصنوع) برای وضع موجود و نسل‌های آینده حفظ شده و یا ارتقا می‌یابند. بدیهی است برقراری تعادل به معنی برخورد یکسان با هریک از وجوه پایداری نبوده و بسته به مکان، اصالت و یکپارچگی آن می‌تواند متفاوت باشد. طبق منشور بورا، حفظ و یا ارتقای این اصالت و یکپارچگی، اعتبار فرهنگی نامیده می‌شود (Burra Charter 2013) و اعتبار فرهنگی نقش مهمی در پایداری معماری بومی ایفا می‌کند. آنچه در حال حاضر طبیعت را تهدید می‌کند، مصرف بی‌رویه انرژی و آلودگی‌های ناشی از آن، رشد جمعیت، توسعه‌های بیش از حد و ساخت‌وسازهای بی‌توجه به شرایط سرزمینی و مسائل اجتماعی و سایر معضلات موجود ناشی از صنعتی شدن و عواقب منفی آن بر محیط بوده، که در حال گسترش هستند. بنابراین لزوم توجه ویژه به معماری پایدار و ویژگی‌ها و مصداق‌های آن، یکی از وظایفی است که می‌تواند به گسترش آموزه‌های پایداری در ساخت‌وسازهای جدید کمک کند. در این خصوص لازم است قبل از هر چیز به معیارها و اصول مختلف به‌کارگرفته در معماری بومی توجه نمود و آن‌ها را شناسایی کرد. در این زمینه میراث ساخته‌شده که طی سالیان متمادی پایداری و ماندگاری خود را به اثبات رسانده است، می‌تواند گواه قابل درکی برای سنجش و ارزیابی این عوامل باشد.

در خصوص پایداری و معماری بومی روستایی مقالات و تحقیقات فراوانی در عرصه بین‌المللی و ملی انجام شده است. این تحقیقات یا در مقیاس کلان (قبادیان ۱۳۷۷؛ سرتیپی پور ۱۳۸۴؛ اکرمی و علیپور ۱۳۹۵؛ اکرمی و دامیار ۱۳۹۶؛ ضرغامی و دیگران ۱۳۹۵؛ بیرانوند ۱۳۹۰؛ ارمغان و گرجی مهبلیانی ۱۳۸۸) عمدتاً به ویژگی‌ها و ابعاد پایداری در معماری بومی کشور پرداخته‌اند و یا با بررسی‌های موردی (هاشم‌نژاد و مولانایی ۱۳۸۷؛ بهرامی ۱۳۹۰؛ رضایی و کهزادیان ۱۳۹۵؛ رضایی، وثیق، و مرادی ۱۳۹۳؛ گرجی مهبلیانی ۱۳۸۹) و بسیاری مطالعات از این دست، شاخصه‌ها و ویژگی‌های معماری بومی را در اقلیم و مکان‌های مختلف کشور مورد بررسی قرار داده‌اند. آنچه در میان این مطالعات کمتر به چشم می‌خورد، بررسی پایداری معماری بومی از منظر میراث است. جز معدود منابع مرتبط با حفاظت و میراث که اشاره‌هایی به معماری بومی و پایداری داشته‌اند (صادق احمدی، ابویی، و ندیمی ۱۳۹۶)، سایر مطالعات در این زمینه اختصاص به اسناد و بررسی‌های بین‌المللی دارد. مهم‌ترین و جدیدترین تحقیق در این ارتباط، مطالعات مشترکی است که با نام پروژه ورسوس با همکاری چهار کشور اروپایی انجام و نتایج ارزشمندی در این زمینه ارائه شده است (Correia, Dipasquale, and Mecca 2014). مقاله حاضر سعی دارد با انتخاب یک مجموعه تاریخی میراثی که حاوی معماری بومی متنوع و ارزشمندی است، به ویژگی‌های مؤثر در پایداری آن بپردازد.

بدین ترتیب این تحقیق به‌طور مشخص، به‌دنبال شناسایی و تحلیل معیارها و شاخص‌های پایداری در میراث معماری بومی زنده و در حوزه‌ی منظر فرهنگی می‌موند بوده که نخست از طریق اسناد و مطالعات داخلی و بین‌المللی و در مرحله‌ی بعد از طریق مطالعه‌ی موردی و طی بررسی‌های میدانی، ویژگی‌های پایداری این منظر را که متشکل از ساختارهای معماری متفاوت ولی برگرفته از فرهنگ و اجتماعی مشترک در سه محیط با شرایط اقلیمی جغرافیایی متفاوت است بررسی می‌کند.

۱. چهارچوب نظری

ظهور روزافزون مفاهیم نو و گسترش و تنوع آن‌ها به‌ویژه در حوزه‌ی میراث و مجموعه‌های زیستی میراثی ابزاری بوده است تا ظرفیت ارزش‌های پنهان و آشکار میراث ودیعه گرفته‌شده از نسل‌های آینده را بهتر شناخته و درک نمود. این ارزش‌ها بیانگر اصالت آن اثر هستند. مقوله‌هایی چون معماری بومی و منظر فرهنگی، در این میان، از مفاهیم نسبتاً نوی هستند که بررسی آن‌ها می‌تواند ابعاد جامع‌تر، گسترده‌تر و ژرف‌تری را از پایداری معماری یک روستا آشکار نمایند. در واقع شاخص اصالت وجهی از پایداری است که در مناظر فرهنگی واجد معماری بومی، عامل تعیین‌کننده‌ای است. بنابراین بررسی این مفاهیم در روشن شدن مسیر تحقیق تأثیرگذار خواهد بود.

۱.۱. معماری بومی و منظر فرهنگی

محدوده‌ی معماری بومی بسیار وسیع و متنوع است. اگرچه برخی معتقدند معماری بومی به‌طور عام به معماری مناطق روستایی و بکر و دست‌نخورده اختصاص داشته و مناطق شهری را که به‌دلیل فشارهای ناشی از رشد سریع، احتمال یک رویکرد متعادل در آن‌ها ضعیف شده است، شامل نمی‌شود (Correia & et al. 2014, 57)، طبق تعریف ایکوموس، میراث بومی ساخته‌شده، روشی سنتی و طبیعی است که جوامع در پاسخ مؤثر به محدودیت‌های عملکردی، اجتماعی و محیطی با بهره‌مندی از مهارت‌های تجربی و به‌کارگیری سیستم‌های ساختمانی سنتی در سبک و فرمی منسجم اتخاذ کرده‌اند (ICOMOS Charter 1999, 1). بنابراین می‌توان معماری سنتی شهرهای تاریخی و یا بخش‌هایی از آن‌ها را مشمول این تعریف دانست و گستره‌ی آن را محدود نکرد. از آنجایی که در شکل‌گیری معماری بومی، برخی روابط اجتماعی و اقتصادی با محیط طبیعی و نمادهای فرهنگی، ماهرانه انعکاس می‌یابند، این معماری جوابگوی نیازهای یک جامعه در ارتباط با عوامل طبیعی و با خواسته‌های معنوی انسان‌هاست (دادخواه ۱۳۸۴، ۹۸). بنابراین نقش انسان در بستر فرهنگی، محیط طبیعی، اجتماعی و اقتصادی آن در شکل‌گیری این معماری بسیار تعیین‌کننده است. در واقع یک اثر ماندگار نتیجه‌ی تولید اندیشه به‌وسیله‌ی مجموعه انسان‌هاست (گلابچی و زینالی فرد ۱۳۹۱، ۵).

از طرفی، منظر فرهنگی نیز که در سال‌های اخیر به‌عنوان وجهی نو در مقوله‌ی میراث مطرح شده است، به تعامل انسان و طبیعت تکیه دارد. در واقع آنچه معماری بومی را با منظر فرهنگی پیوند می‌دهد، نقش مؤثر فرهنگ و تبلور ابعاد مختلف فرهنگی در مکان است. نقشی که سایبر در تعریف منظر فرهنگی بر آن تأکید دارد: در این ارتباط، فرهنگ، «عامل»، «بستر طبیعی»، «واسطه» و «منظر فرهنگی»، «نتیجه» است (Sauer 1925, 310). در واقع منظر فرهنگی مفهومی است که سعی دارد به‌جای تجزیه‌ی ارزش‌ها، نگاه چندجانبه به ارزش‌های مختلف و وجوه چندگانه‌ی منظر داشته باشد. وجهی از رسمیت یافتن این مفهوم ناشی از تأمل در نوع تعامل دیرپای انسان با طبیعت در فرهنگ‌هایی با تلقی متفاوت بود (یوکیلهتو ۱۳۸۷، ۹). مفهوم منظر فرهنگی پس از دو دهه حضور در اسناد حفاظت، همچنان در حال ارتقا است. چنان‌که در بیانیه‌ی فلورانس ۲۰۱۴ ضرورت تغییر نگرش به مناظرهای فرهنگی از «مناطق حفاظت‌شده» به محدوده‌هایی «واجد آموزه برای مدل‌های جدید از توسعه» مطرح شده است (صادق احمدی، ابویی، و ندیمی ۱۳۹۵، ۵۳).

همچنین روسلر منظر تکامل‌یافته را که جریان زندگی سنتی آن در جامعه معاصر تداوم دارد، یکی از گونه‌های مناظر فرهنگی می‌داند (Rössler 2003, 11). اندرو و باگی این‌گونه از منظر را تنها یک اثر یا محوطه نمی‌دانند،

بلکه معتقدند آن‌ها مناظر زنده‌ای هستند که افراد بومی آن را به‌عنوان میراث فرهنگی عمیقاً برای خود مهم می‌دانند؛ مناطقی که رابطه آن‌ها با سرزمین را نشان می‌دهد. تغییر پویا در چنین مناظر فرهنگی ذاتی است. آن‌ها به‌طور مداوم در نتیجه فرایندهای طبیعی و فرهنگی تغییر می‌کنند. آن‌ها همیشه در حال رشد هستند (Andrew and Bugey 2008, 65). در عین حال، آنچه به یک معماری بومی اعتبار و ارزش مضاعف می‌بخشد، تداوم زندگی سنتی در جامعه امروزی است که به‌عنوان میراث زنده نامیده می‌شود (Wijesuriya 2015, 3) و در بیانیه سن‌آنتونیو تحت عنوان مناظر فرهنگی و شهرهای تاریخی پویا مطرح شده است (The Declaration of San Antonio 1996, Article 5). عامل بسیار مهم در یک معماری بومی، تداوم و سازگاری مداوم با نیازهای جدید در طی زمان است که پایداری آن را تضمین می‌کند. بنابراین جوامع روستایی زنده که در دسته‌بندی مناظر فرهنگی به‌عنوان مناظر فرهنگی زنده و تحول‌یافته نامیده شده‌اند، میراث بومی زنده و پایداری هستند که می‌بایست ارزش‌های آن‌ها شناسایی و حفاظت شوند. البته باید توجه داشت که در حفظ اصالت آن‌ها، خصوصیات کلی و سنتی همچون الگوها، فرم‌ها، بهره‌گیری از زمین و ارزش‌های معنوی مقدم بر جنبه‌های مادی و طراحی آن قرار گیرد (Ibid, Article 3).

۲.۱. اصالت در میراث

میراث بومی حاوی ارزش‌هایی است که برای حفاظت از آن در گام نخست افزایش آگاهی نسبت به این ارزش‌ها و تداوم پایداری آن‌ها ضرورت دارد. در صورت حفظ این ارزش‌ها به مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی فرهنگی و اجتماعی اقتصادی جامعه محلی خللی وارد نخواهد شد. به‌طور مسلم در این ارتباط، انتخاب ابزار مناسب بسیار اهمیت دارد. یکی از مهم‌ترین ابزار برای واجد ارزش دانستن یک اثر میراثی، اصالت آن است. بررسی اصالت میراث ساخته‌شده و مؤلفه‌های آن می‌تواند به درک بهتر ما از عوامل مؤثر در پایداری اثر نیز کمک کند. اصالت به‌عنوان اصلی‌ترین عامل کیفیت بخش مرتبط با ارزش‌ها ظاهر می‌شود (مسعود، حجت، و ناسخیان ۱۳۹۱، ۲۷۲). در اصالت، موضوع بر سر پیامی مرتبط با پاره‌ای سنت‌های مشروع فرهنگ‌های مختلف است که باید با تمامی غنای آن به نسل‌های بعدی منتقل شود (Petzet 1999, 51). در دو دهه اخیر، اسناد بیشتری در میان اسناد پایه در مورد اصالت تدوین شده است. سند نارا یکی از این اسناد است که ضمن بازگو کردن اینکه داور اصالت بر مبنای معیارهای ثابت امکان‌پذیر نیست، اذعان می‌دارد که بسته به ماهیت میراث فرهنگی، بافت فرهنگی آن و تحولات آن در طی زمان، آن را می‌توان توسط ارزش‌های گسترده‌ای از منابع اطلاعات مرتبط شناخت. دایره این منابع می‌تواند شامل فرم و طراحی، مواد و مصالح و گوهر وجودی، استفاده و کارکرد، سنت‌ها و فنون، موقعیت و محدوده، روح و حس مکان و سایر عوامل داخلی و خارجی باشد. استفاده از این منابع، اجازه تدوین ابعاد خاص هنری، تاریخی، اجتماعی و علمی میراث فرهنگی را می‌دهد (The Nara Document on Authenticity 1994, 47). این سند برای اولین بار بر ابعاد غیرمادی و ناملموس اصالت اثر صحنه می‌گذارد. اصالت از منشور ونیز تا نارا، از مفهومی کالبدمحور و تک‌لایه به مفهومی کالبد-معنامحور و چندلایه تغییر محتوا داد؛ این تغییر خود نشان از طبیعت پویای اصالت در گذر زمان دارد و بیانگر بعد تغییر در اصالت است (فدایی‌نژاد و عشرتی ۱۳۹۳، ۷۹) چند سال بعد از انتشار سند نارا، بیانیه سن‌آنتونیو نیز با تأکید بیشتر بر ابعاد فرهنگی و ناملموس، مواردی را مربوط به احصای اصالت گوشزد می‌کند. از نظر بیانیه، اصالت میراث فرهنگی به‌طور مستقیم با هویت فرهنگی ربط دارد. اصالت، مفهومی فراتر از یکپارچگی مادی است و این دو مفهوم نباید هم‌ارز و هم‌ذات پنداشته شوند (San Antonio Declaration 1996, Article 1, 3).

میراث فرهنگی فراتر از شواهد مادی، حامل پیام معنوی عمیقی است که حیات جمعی را تغذیه می‌کند و آن را به گذشته‌آبا و اجدادی پیوند می‌دهد. این مفهوم معنوی در رسوم و سنت‌هایی مانند الگوهای اسکان، روش‌های عرفی بهره‌گیری از زمین و باورهای مذهبی نمود دارد. همچنین پیوند آن‌ها با خاطره‌ها و نمودهای فرهنگی را مورد تأکید قرار می‌دهد (Ibid, Article 4). در منشور نیوزلند هم تعریفی نزدیک به دو سند فوق با این مضمون ارائه شده است: اصالت به معنای اعتبار یا حقیقت شواهد و دانش موجود در ارزش میراث فرهنگی یک مکان است. شواهد مربوط شامل فرم و طرح، ماده، بافت، فناوری و صنایع‌دستی، موقعیت، بستر و محدوده، عملکرد، سنت‌ها، ذات معنوی و

حس مکان است و شامل ارزش‌های ملموس و ناملموس می‌باشد. ارزیابی اصالت مبتنی بر شناسایی و تجزیه و تحلیل شواهد و دانش و احترام به بستر فرهنگی آن اثر است (New Zealand Charter 2010, 9). در این منشور، حس مکان که در سند دوم نسبت به اول کمرنگ‌تر شده بود، به همراه ذات معنوی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. همچنین حس مکان را در ارزش‌گذاری و اصالت مؤثر دانسته است (مسعود، حجت، و ناسخیان ۱۳۹۱، ۲۷۶). اندرو و باگی اصالت مناظر فرهنگی زنده را در سنت‌های شفاهی شامل بیان داستان‌ها و شنیدن مستقیم، نام مکان‌ها، آهنگ‌ها و روابط خویشاوندی، دانش بومی، زبان و دستورالعمل‌های اخلاقی می‌دانند که همگی در پاسخ به یک محیط در حال تغییر، در حال رشد هستند. آن‌ها تداوم این سنت‌ها (شاخص کلیدی اصالت) را منوط به استمرار در دسترسی‌ها و فعالیت‌ها در سرزمین، استمرار سنت‌های شفاهی، احترام به رفتارها، دانش و مهارت‌های زندگی و تعامل جوانان و جامعه در استمرار حافظه و هویت از طریق انتقال بین نسلی و خلق اشکال سنتی می‌دانند و یک منظر فرهنگی زنده را در تداوم، رشد و تغییر تعریف می‌کنند (Andrew and Buggey 2008, 67 & 68). فدایی‌نژاد و عشرتی در نهایت، پنج مؤلفه اصلی در بازشناخت اصالت را به صورت دو جنبه ملموس و ناملموس و بُعد ثبات، تداوم و تغییر ارائه می‌دهند؛ همچنین بررسی و تحلیل سیر تکامل مفهوم میراث از تک‌بنا به مجموعه‌ها و بافت‌های شهری و فراتر از آن منظر فرهنگی و منظر شهری تاریخی آشکار می‌سازد که هرچه مقیاس نگاه به میراث از خرد به کلان تغییر می‌یابد، از یک سو جنبه ناملموس از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد و از دیگر سو تغییر و دگرذیسی به عنوان بخشی از ماهیت اصالت میراث در کنار تداوم یک وضعیت ثابت بیشتر مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد (فدایی‌نژاد و عشرتی ۱۳۹۳، ۸۵). در واقع می‌توان دریافت که انتقال پیام حاوی سنت‌های منبعث از فرهنگ‌ها (ملموس و ناملموس و در مناظر فرهنگی به‌ویژه ناملموس) در تعادلی پایدار همراه با تغییرات مداوم، به نسل‌های آینده، وجهی از پایداری است که می‌توان آن را شاخص اصالت در مناظر فرهنگی دانست.

۳.۱. پایداری

در دهه‌های اخیر، ابعاد گسترده پایداری، مورد بحث بسیاری از نشست‌ها و تحقیقات بوده و به مرور زمان تکمیل و تشریح شده است. موضوع نگهداری زیست‌بوم و راه‌هایی برای هماهنگی با محیط پیرامون، مراقبت هم‌زمان در نوسازی و بهسازی، مفهوم جدیدی از معماری پایدار را در سال‌های ۱۹۷۰ تاکنون مطرح کرده است (جعفری نجف‌آبادی و مهدوی‌پور ۱۳۹۲، ۶۰). پایداری که عموماً همراه با واژه توسعه پایدار به کار می‌رود، به معنای ظرفیت سیستم‌ها و فرایندها با در نظر گرفتن حداقل تخریب اکوسیستم‌ها و کیفیت زندگی است. به عبارتی «گروهی از اهداف (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) که باید با هماهنگی و توجه به آن‌ها از ماندگاری درازمدت جوامع و سیاره زمین اطمینان حاصل کرد» (CFPTLHC 2016, 124).

در ابتدا عموماً پایداری در سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و طبیعی خلاصه می‌شد، اما به تدریج به‌ویژه در حوزه میراث ساخته شده، نقش انسان و ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن، وجه مؤثری در پایداری مطرح شد. به طوری که متخصصان در بیانیه ۲۰۱۱ پاریس علاوه بر سه رکن فوق، تنوع فرهنگی را رکن چهارم این پایداری مطرح کردند (The Paris Declaration 2011, 2). به همین سبب امروزه ابعاد محیط زیستی، اجتماعی فرهنگی و اقتصادی جایگزین شده‌اند (Correia and et al. 2014; Correia 2014). بنابراین آنچه روشن است، تأکید بر نقش انسان در ابعاد اجتماعی و فرهنگی شدت یافته است.

برای تشخیص پایداری در توسعه و به‌طور خاص در معماری بومی میراثی، لازم است اصولی را به‌عنوان ملاک و معیار شناخت در نظر گرفت. اصول یک توسعه پایدار را به یکپارچگی اقتصادی محیطی، تعهد بین نسل‌ها، عدالت اجتماعی، حفاظت فیزیکی، کیفیت زندگی و مشارکت می‌دانند (زاهدی ۱۳۸۹، ۶). فازیو و مودیکا معتقدند: «اصول پایداری تأکید بر ابعاد اخلاقی جدید «افقی» (عدالت، عدالت اجتماعی، فرصت‌های برابر)، برای دسترسی به منابع، استقلال از محیط خارجی سیاسی اقتصادی و «عمودی» (مسئولیت نسبت به نسل‌های آینده) دارد (Di Fazio

7, 2018, and Modica). برخی نیز مشارکت مردم، ساخت‌گرایی طبیعی، الگوگرایی طبیعی، مطلق‌گرایی طبیعی و کل‌نگری را ملاک یک معماری پایدار می‌دانند و به همین دلیل معماری بومی را به‌واسطه فن ساخت مردمی و الگوهای مشارکتی ساخت، اتکا به مصالح طبیعی و شیوه‌های غیرفعال تنظیم شرایط محیطی و فرم‌های متناسب با اکولوژی، نمونه قابل استفاده‌ای برای معماری پایدار می‌دانند (اکرمی و دامیار ۱۳۹۶، ۳۲-۳۶). همچنین برخی تکنولوژی بومی که دوام، قابل تغییر بودن، کاهش آلودگی، اندازه‌های انسانی، متناسب و ارزان بودن و مطابقت با فرهنگ و هویت محلی را به دنبال خواهد داشت در پایداری مؤثر خوانده‌اند (جعفری نجف‌آبادی و مهدوی‌پور ۱۳۹۲، ۶۰). پاره‌ای از مطالعات علاوه بر ذکر موارد فوق بر عوامل محیط زیستی همچون انعطاف و انطباق با شرایط محیطی، استفاده خردمندانه از زمین، جلوگیری از آلودگی هوا و محیط زیست، استفاده از روش‌های طراحی همساز با محیط و توجه به الگوهای بومی در طراحی و ساخت بنا، کاهش مصرف منابع و انرژی‌های تجدیدناپذیر، استفاده از مواد، مصالح و عناصر همساز با اقلیم در جهت کاهش مصرف انرژی و کاهش آلودگی و قابل بازیافت (امین‌زاده ۱۳۸۲). افزایش دوام منابع، کنترل رفتارهای انسانی و حفظ طبیعت (گرگی مهبلانی ۱۳۸۹، ۹۳) تأکید دارند. در مقوله انعطاف‌پذیری، مراد قابلیت انطباق و انعطاف‌پذیری کارکردهاست (ارمغان و گرگی مهبلانی ۱۳۸۸، ۳۲) در بحث جنبه‌های اقتصادی نیز تولید، کنترل، ساخت، استفاده بهینه از مصالح و سرعت ساخت (عالمی، پوردیپیمی، و مشایخ فریدنی ۱۳۹۵، ۱۳۸) را می‌بایست مد نظر قرار داد. علاوه بر موارد فوق، ویژگی‌هایی همچون ماندگاری، نگهداشت‌پذیری، تعمیرپذیری و سادگی (ارمغان و گرگی مهبلانی ۱۳۸۸، ۳۳) را نباید نادیده گرفت.

نورتون نیز پیش از همه این مباحث، ویژگی‌های معماری پایدار را چنین توصیف کرده است: استفاده از مصالح موجود و وسایل حمل‌ونقل محلی، استفاده از منابعی که به قدر کافی و به‌سادگی موجود بوده و مصرف آن‌ها منجر به نابودی محیط نشوند و مهارهایی که حاصل زمینه اجتماعی اقتصادی بومی بوده و قابل توسعه و پرورش در جامعه هستند، به آب‌وهوای بومی پاسخ دهند و دارای انعطاف‌پذیری برای مطابقت با نیازها و عادت‌های محلی باشند (Norton 1999, 3).

در این راستا تحقیق جامعی بر اساس چند نمونه موردی در کشورهای اروپایی ارائه شده است که هرکدام می‌تواند برای شناخت وجوه پایداری معماری یک مجموعه زیستی میراثی مورد بحث و تحلیل قرار گیرد. ورسوس پروژه‌ای تحقیقاتی است که نتیجه تلاش مشترک فشرده و علمی پنج مرکز دانشگاهی اروپایی (ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، بلژیک و پرتغال) و کمیته‌های بین‌المللی میراث معماری گلین ایکوموس (ICOMOS-ISCEAH)، کمیته بین‌المللی معماری بومی (ICOMOS-CIAV) و کرسی یونسکو درباره معماری گلین، میراث ساخته‌شده و توسعه پایدار انجام و با حمایت کمیسیون اروپا در چهارچوب برنامه‌ای از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ تهیه و توسعه یافت. این مدل بر اساس دانش محلی و ویژگی‌های آن در معماری پایدار و تعریف مؤلفه‌های پایداری بومی قرن بیستم تنظیم شده است (Correia and et al. 2014).

هدف از انجام این پژوهش‌ها دستیابی به شناختی صحیح از اصول ضروری پایداری برگرفته از میراث بومی و رسیدن به راه‌های جدید برای کاربست این اصول در معماری پایدار امروزی است. این اقدامات همچنین در چهارچوب کنفرانس‌ها و کارگاه‌های مختلف از جمله کنفرانس معماری بومی در سال ۲۰۱۳ در لیسبون و با هدف تبیین سیاست‌ها (Jakhelln 2014) و نیز نشست‌هایی در ایتالیا به هدف آشکار کردن و دسته‌بندی ویژگی‌های پایداری برگزار شد. بیش از ۱۰۰ استراتژی منحصربه‌فرد در ۸ محدوده پایدار متمایز گروه‌بندی شد. به‌منظور حصول مدیریت اطلاعات بصری و انعطاف‌پذیر در زمینه‌های توسعه پایدار از شاخصه‌های معماری و تفسیر آن‌ها کمک گرفته شد و جهت اجتناب از تقلید یا شباهت در اصطلاحات، محتویات در سه رکن معماری پایدار که می‌توانست هر نوع معماری را پوشش دهد، طبقه‌بندی شدند (Carlos, Correia, and Letizia 2014, 24).

تحقیقات انجام‌شده به استخراج معیارهای اساسی در سه دسته از نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی انجامید. در خصوص ابعاد اجتماعی فرهنگی به معیارهایی همچون ارزش‌های مکان، تنوع زیستی، نظام تولید،

آیین‌ها و سنت‌ها، مهارت‌ها و تجربه‌های محلی، مشارکت، و بهره‌مندی عادلانه منابع، در ارتباط با نظام محیط زیستی معیارهایی همچون مکان مناسب استقرار، مدیریت مناسب منابع، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، مصالح بوم‌آورد و بازیافتی، کاهش هدررفت انرژی ساختمان، ساخت بهینه و در نهایت در بعد اقتصادی به اشتراک گذاشتن، کنترل و مدیریت منابع، ارتقای تولید و ساخت، دوام، حمایت از صنایع بومی، تراکم و فشردگی بنا و بهینه‌سازی مصالح، مطرح شده است. نتایج مطالعات انطباق معیارهای اصالت این وجه مشخصه میراث بومی، با عوامل مؤثر در پایداری را به اثبات می‌رساند.

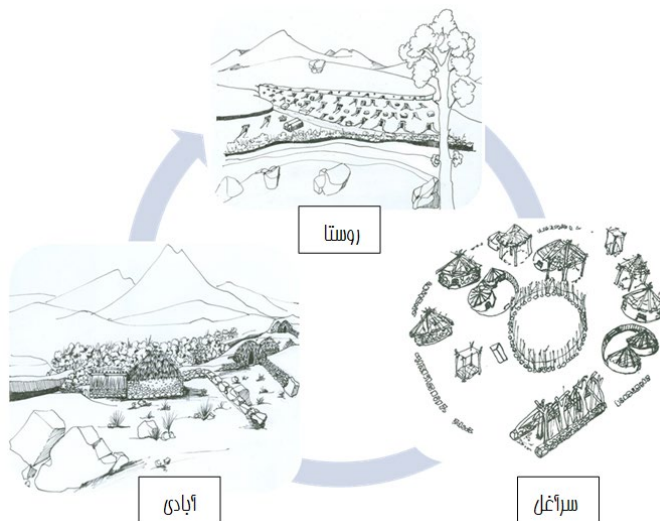
۲. معرفی منظر فرهنگی میمند

منظر فرهنگی میمند در شمال شرقی شهرستان شهر بابک در استان کرمان واقع است. متوسط ارتفاع آبادی‌های منطقه ۲۲۸۷ متر و حداقل ارتفاع محدوده ۱۸۶۰ متر و حداکثر آن ۲۸۵۰ متر از سطح دریاست. این منطقه در بخش شمالی شامل پیکره کوهستانی است که امتداد کوه‌های مرکزی ایران و شیرکوه یزد بوده و در بخش جنوبی شامل گستره‌ای از دشت‌ها و تپه‌های کم‌ارتفاع می‌باشد. دهستان میمند از سمت شرق با دهستان باقلعه، از شمال با راویز، از جهت غرب و شمال غرب با دهستان‌های مودارات و خورسند، از سمت جنوب با دشت خاتون‌آباد و از جنوب شرق با دهستان‌های پاریز و سرچشمه مجاور است (رمضان‌نژاد قادی ۱۳۸۵، ۷). این منطقه دنباله آتشفشانی آتشفشان مساهیم واقع در بخش شمال شرقی روستاست (Hashemi, Khabbazi Basmenj, and Banikheir 2018, 21). هوازگی و فرسایش بستر آتشفشانی در امتداد کانال‌های جریان‌ها، شکل مورفولوژیک فعلی روستا را تشکیل داده است (Ibid). رواناب‌ها و باد عوامل اصلی فرسایش در منطقه مورد مطالعه هستند. توپوگرافی و شیب، کمبود پوشش گیاهی و نفوذپذیری کم سنگ‌ها باعث می‌شود که میزان بارندگی به رواناب سطحی تبدیل شود و این باعث از بین رفتن سنگ‌های نرم دره میمند می‌شود. از طرفی این روستا در یک منطقه کوهستانی در کنار کویر واقع شده است که سالانه حدود ۱۵۰ روز بادی را با میانگین سرعت باد در حدود ۱۷ کیلومتر در ساعت و جهت غالب از شرق به غرب تجربه می‌کند. بنابراین بادی که ماسه و گردوغبار را منتقل می‌کند، تا حدی سنگ‌های نرم منطقه مورد مطالعه را نیز از بین می‌برد. با وجود این، آب‌ها بیشتر از باد در فرسایش سنگ‌های آتشفشانی میمند مؤثرند (Ibid). میمند دارای آب‌وهوای خشک تا گرم و معتدل است و در واقع از دو فصل مشخص تشکیل شده است. فصول پاییز و بهار بسیار کوتاه هستند. حداکثر و حداقل دما به ترتیب بین ۲۹ تا ۹- درجه سانتی‌گراد است. میانگین بارندگی سالانه ۱۶۳ میلی‌متر با بیشترین میزان بارندگی در زمستان است (ICHHTO 2012).

زندگی ساکنان نوعی درون‌کوچ ویژه است که در سه دوره در یک سال و در مساحتی حدود ۱۲۰۰۰ هکتار انجام می‌شود. این استقرارگاه شامل سه نوع سکونتگاه فصلی در سه دوره است. در دوره اول، چهار ماه اول سال در سرآغل‌ها در دشت خاتون‌آباد، مسکن نیمه‌فرورفته در زمین، در دوره دوم باغات و در دوره سوم، چهار ماه آخر سال، روستای دست‌کند میمند اقامتگاه ساکنان است (اشرفی ۱۳۹۱، ۲۹). روستا متشکل از ۴۰۰ واحد مسکونی (کیچه در اصطلاح محلی) است که در پیرامون سه دره در دل تپه (کمر در گویش محلی) کنده شده است. سهولت در اخذ آمار جمعیت ساکن در روستا نسبت به دو سکونتگاه دیگر، امکان بررسی جمعیتی را در سال‌های مختلف فراهم کرد. طبق آمار ۱۳۹۴ جمعیت ثابت حدود ۲۴ نفر بوده که با احتساب جمعیت ساکن در آخر هفته‌ها و کارشناسان مقیم، به حدود ۵۰ نفر می‌رسد. این در حالی است که در سال ۱۳۸۵ جمعیت روستا حدود ۵۰ خانوار شامل ۱۴۷ نفر (همان) و در سال ۱۳۵۶ در حدود ۲۵۰۰ نفر در زمستان بوده که ۵۰۰ خانوار (خلیل یحیوی ۱۳۵۶، ۱۵۲) را تشکیل می‌داده است. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها، رکن قوی دامداری با بیش از ۶۰۰۰ رأس دام، شامل گوسفند و بز در ۷ سرآغل را در اقتصاد میمند بازگو می‌کند. کشاورزی عمدتاً باغداری با محصولات بادام، گردو، سبجد، انگور و به است. البته طبق گفته اهالی، قبلاً کشت دیم گندم و جو در خالی باغ‌ها و حیوانات دیم همچون نخود و عدس نیز مرسوم بوده است. صنایع دستی شامل کاربافی (در حال حاضر وجود ندارد)، نمدمالی، جاجیم، فرش و سفتوبافی استوار است. طی

گفت‌وگوهای انجام‌شده، زمانی همه ندهای منطقه به استادکاران نمدالی میمند (زنده‌یاد احسانی و طیبی) سفارش داده می‌شد. در این میان، جمع‌آوری و فروش میوه‌های وحشی و نیز زنبورداری که از مشاغل جدید است نیز حائز اهمیت است. در گذشته نه‌چندان دور، شکار نیز بخشی از مایحتاج را فراهم می‌کرد. مردم هنوز از استاد آهنگری که تفنگ شکارچیان منطقه را در روستا می‌ساخت، یاد می‌کنند.

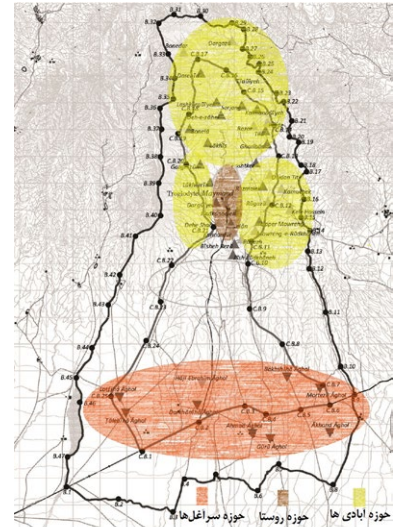
هریک از این استقرارگاه‌ها بستر طبیعی و موقعیت مکانی متمایز و بالطبع معیشت و معماری متفاوتی را عرضه می‌کند. سرآغل‌ها در دشت خاتون‌آباد، در جنوب این منظر فرهنگی، در جوار رودخانه‌های فصلی قرار داشته و از طریق ذخیره آب در آب‌انبارهای ساخته‌شده، آب مورد نیاز تأمین می‌شده است. طی مصاحبه با کارشناسان بومی مستقر در روستا، جمعیت بهره‌برداران از مراتع، حدود ۱۰۰ خانوار بوده که در قالب واحدهایی با متوسط ۱۰ تا ۱۲ خانوار شکل گرفته‌اند. آغل آخوند با ۶ خانوار کمترین و آغل لطفی‌ها با ۱۸ خانوار بیشترین جمعیت را دارند. در حال حاضر، ۷ سرآغل در حریم میمند فعال است. همه آن‌ها از معماری زمین‌پناه برای استقرار بهره‌برده‌اند و فضاهای مورد نیاز برای اسکان خانواده (مرخانه یا چهل مرد و کپر)، نگهداشت دام (کوز، در کوز، تلگرد و...) و فرآوری محصولات دامی (مشک‌دان)، با توجه به موقعیت نسبت به باد، جهت خورشید و دید مناسب به دام‌ها را شکل داده‌اند.



تصویر ۲: سیر جابه‌جایی میمندی‌ها در طول سال



تصویر ۳ و ۴: عکس هوایی و دید عمومی سرآغل درخونی‌ها (آرشیو پایگاه میراث فرهنگی میمند)



تصویر ۱: نقشه عرصه و حریم منظر فرهنگی میمند (آرشیو پایگاه میراث فرهنگی میمند)

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۷ - بهار و تابستان ۹۹

۱۰۴



تصویر ۵، ۶ و ۷: مرخانه آقای زین‌الدینی در سرآغل درخونی‌ها

خانوارهای موجود در سرآغل‌ها در اواسط تابستان (در تقویم دامداری: پنجه) برای انجام امور کشاورزی و بخش پرواربندی دام‌های خود به آبادی‌هایی که در آن‌ها حق مالکیت دارند و در بخش‌های مرتفع شمالی منطقه واقع‌اند، کوچ می‌کنند. با توجه به پراکندگی منابع آبی، آبادی‌های متعددی (۳۵ آبادی) شکل گرفته است. که در این میان آبادی «لاعوضی‌ها» با یک خانوار (در حال و در گذشته) کمترین و «درینه» با ۱۶ خانوار بیشترین جمعیت را دارد. معمولاً بخش‌های غیر قابل کشت و زمین‌های سنگی به‌عنوان سکونتگاه شامل کپر، گمبه^۲، مشکدان، کوزاردون یا پرواربند^۳ انتخاب می‌شوند.



تصویر ۸ و ۹: دید عمومی و عکس هوایی آبادی پیش‌رودخانه (آرشیو پایگاه میراث فرهنگی)

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۷ - بهار و تابستان ۹۹

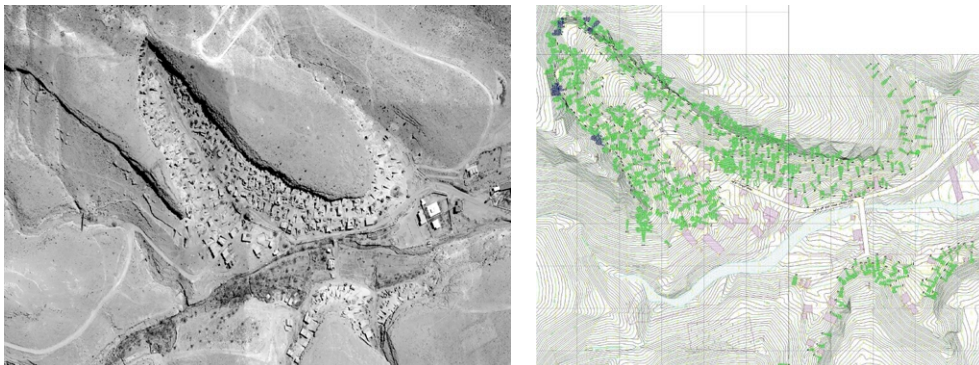
۱۰۵



تصویر ۱۰: نمای گمبه خورشید شاه‌حسینی در آبادی لاخورین (آرشیو پایگاه میراث فرهنگی میمند)

تصویر ۱۱: فضای داخلی گمبه حاج‌آمنه و مرحوم ابراهیمی در آبادی مورنگ

روستای دست‌کند میمند سومین اقامتگاه (زمستانی) است. بافت روستا متشکل از کیچه‌های^۵ دست‌کندی است که در دو طرف سه دره، با جهت و عمق متفاوت در سه تراز کنده شده‌اند. دره اصلی شمالی جنوبی با بیش از ۵۰۰ متر طول، بیشترین تعداد کیچه‌ها را به خود اختصاص داده است. البته به گفته اهالی و با توجه به نوع بافت موجود اولین خانه‌های دست‌کند در دره شرقی که در پایین دست به دره شمالی جنوبی می‌رسد، شکل گرفته است. عناصر خدماتی روستا شامل حمام، حسینیه و مسجد همه به صورت دست‌کند ایجاد شده‌اند.



تصویر ۱۲ و ۱۳: عکس و نقشه هوایی سال ۱۳۸۴ روستای دست‌کند میمند (آرشیو پایگاه میراث فرهنگی میمند)



تصویر ۱۴ و ۱۵: نمای عمومی از کیچه و روستای دست‌کند

۳. روش‌شناسی

این تحقیق، کیفی و از نوع بنیادی است که بر اساس حضور مستمر محقق، پیمایش‌ها و مشاهده مستقیم در فاصله زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ انجام شده است. با توجه به پیچیدگی‌های بستر تحقیق و به منظور دستیابی به معانی و واقعیات منطبق با محیط در مشاهدات از ترکیب رویکردهای زمینه‌ای (با توجه به وجود سنت‌های زیست و ساخت متنوع)، پرسش‌های عمیق از مصاحبه‌شوندگان (برای پرهیز از اعمال نظر شخصی و درک بهتر معانی و رفتارها) و درون‌نگری (آشنایی و درک نسبی محقق از وضعیت محل و توانایی قرار گرفتن در موقعیت ساکنان به منظور تفسیر مشاهدات با توجه به حضور بلندمدت محقق در محل) استفاده شد.

بر پایه داده‌های به‌دست‌آمده توسط این پژوهش در بهار سال ۱۳۹۷، تعداد جمعیت ساکن روستا ۲۴ نفر بوده که در این میان ۱۵ نفر آنان را بانوان تشکیل می‌دادند. میانگین سنی جمعیت ۶۹/۸ سال بود. با توجه به این واقعیت که امروزه حجم، ترکیب و تعریف جمعیتی سکونتگاه‌های این منظر فرهنگی و به‌ویژه روستا تغییر یافته است، مشاهده می‌شود که جمعیت ساکن روستا مانند گذشته، تنها محدود به زمستان نبوده و در بازه‌های زمانی مختلف،

تعداد و ترکیب متفاوت جمعیتی را شامل می‌شود. در سال‌های اخیر با توجه به استقبال گردشگران و رونق روستا در روزهای پربازدید و همچنین بازشناسی بیشتر و بهتر میمندی‌ها از ارزش‌های مکان زیست خود، نظم جدیدی از سکونت در آن شکل گرفته و بازگشت آن‌ها را در روزهای تعطیل و آخر هفته‌ها به دنبال داشته است. مشاهدات و برداشت‌های میدانی در همین زمان نشان‌دهنده افزایش آمار ساکنان در روزهای پایانی هفته است. میانگین سنی آن‌ها کمتر از میانگین جمعیت ثابت بوده که بازگوکننده حضور قشر جوان در این ایام است. به این افراد، جمعیت کارگاهی و کارشناسی مستقر در پایگاه میراث جهانی را که در ایام مختلف، کم‌وبیش ۱۵ نفر هستند و به نگهداری و حفاظت مستمر روستا در تمام طول سال مشغول‌اند، نیز باید اضافه کرد. جامعه آماری که به روش نمونه‌گیری هدفمند (آزادبان و مؤمن‌نسب ۱۳۹۴، ۱۴) با توجه به تغییرات انجام‌شده در زندگی ساکنان و نحوه اقامت آنان در سه اقامتگاه، برای تحقیق انتخاب شدند، بالغ بر ۲۰ نفر هستند. این افراد شامل جمعیتی است که یا در هر سه اقامتگاه به همان شکل سنتی زندگی می‌کنند و یا آن‌هایی که در گذشته، زندگی در هر سه استقرارگاه را تجربه کرده‌اند و در حال حاضر نیز در یک یا دو اقامتگاه در رفت‌وآمد هستند. در جریان تحقیق با توجه به مشابهت پاسخ‌ها و اشباع داده‌ها به مصاحبه با ۱۶ نفر بسنده شد. متن مصاحبه‌ها چندین مرتبه به دقت بررسی و پیاده‌سازی شد و نکات مهم که مرتبط با مفهوم پایداری بود، مشخص و دسته‌بندی گردید. در این بین، نقش کارشناسان بومی که بخشی از این جامعه را تشکیل می‌دادند، بسیار تأثیرگذار بود. در واقع برای دستیابی به اعتبار داده‌ها، از روش کنترل و اعتبارسنجی از طریق مراجعه به افراد و به‌ویژه به کارشناسان بومی استفاده شد. ویژگی مشارکت‌کنندگان در تحقیق در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

ردیف	افراد	سن	محل اقامت		شغل	سایر مشخصات جنسیت، تحصیلات، وضعیت تاهل
			روستای میمند	آبادی سراغل		
۱	نفر اول	۴۶	میمند	دربنه	استادکار بومی، دامدار کشاورز	مذکر، دیپلم، متأهل
۲	نفر دوم	۵۰	میمند	دربنه	استادکار بومی، دامدار کشاورز	مذکر، سیکل، متأهل
۳	نفر سوم	۶۲	میمند	لاشکرگوئی	طالبی‌ها	مذکر، سیکل، متأهل
۴	نفر چهارم	۶۳	میمند	درگویی	گورو	مذکر، دیپلم، متأهل
۵	نفر پنجم	۵۰	میمند	تیلا	مرتضی	مؤنث، ششم، مجرد
۶	نفر ششم	۵۸	میمند	تیلا	مرتضی	مؤنث، بی‌سواد، متأهل
۷	نفر هفتم	۴۷	میمند	پیش‌رودخانه	گورو	مذکر، دیپلم، متأهل
۸	نفر هشتم	۵۷	میمند	درگویی	گورو	مؤنث، ششم، متأهل
۹	نفر نهم	۶۷	اقامت موقت در میمند	دربنه	لاخونی‌ها	مذکر، دیپلم، متأهل
۱۰	نفر دهم	۴۵	اقامت موقت در میمند	تیلا	مرتضی	مؤنث، ششم، متأهل
۱۱	نفر یازدهم	۴۰	اقامت موقت در میمند	-	مدوارات	مؤنث، لیسانس، متأهل
۱۲	نفر دوازدهم	۴۱	اقامت موقت در میمند	گزگستون	گورو	مذکر، لیسانس، متأهل
۱۳	نفر سیزدهم	۴۷	اقامت موقت در میمند	ریگ سفید	کارشناس بومی	مذکر، لیسانس، متأهل
۱۴	نفر چهاردهم	۶۵	اقامت موقت در میمند	-	کارشناس	مذکر، لیسانس، متأهل
۱۵	نفر پانزدهم	۲۸	اقامت موقت در میمند	دربنه	کارشناس بومی	مذکر، فوق لیسانس، متأهل
۱۶	نفر شانزدهم	۳۶	اقامت موقت در میمند	-	کارشناس	مذکر، فوق لیسانس، متأهل

روش اصلی جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختار یافته یعنی گفت‌وگوهای عمیق و ژرف‌کاوانه محقق با ساکنان به‌صورت حضوری است. مصاحبه‌ها با سؤالات مولد و قابل تغییر (بهرامی و دیگران ۱۳۹۴، ۳۴)، کلی و بی‌طرفانه نظیر فرق خانه‌های میمندی با بقیه خانه‌ها در روستاهای اطراف، ویژگی‌های مطلوب خانه‌های میمندی، راز

ماندگاری این نوع سکونت و ذکر خاطرات از تجربه زندگی در محل در دوران کودکی شروع شد و پرسش‌های دقیق‌تر و دسته‌بندی شده همچون ترجیح سکونت در هریک از سه اقامتگاه، نحوه مشارکت در ساخت‌وساز، مواد و مصالح مورد استفاده و هزینه‌ها، مدیریت، باورها و اعتقادات و فعالیت‌های دسته‌جمعی، رفتار و اعتقادات مربوط به طبیعت، مضمون سؤالات بعدی بود. این مصاحبه‌ها ابعاد معیشتی، اجتماعی و فرهنگی، زیست‌محیطی و تاریخی را از جمله ارکان اصلی قرار داده و پاسخ‌های مرتبط کدگذاری و دسته‌بندی شدند.

۴. بررسی اصول معماری پایدار در استقرارگاه‌های منظر فرهنگی میمند

در این بخش، از تحقیق با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در مبانی نظری و نیز مطالعات میدانی معماری استقرارگاه‌های سه‌گانه میمند طی پیاده کردن مصاحبه‌ها، حضور مستمر در محل و اعتبارسنجی داده‌ها، ویژگی‌های زیر در پایداری معماری میمند حاصل شد.

با توجه به منابع محدود در هریک از حوزه‌های زیستی این منظر و در پاسخ به این دست سؤالات که منابع طبیعی مشترک در منطقه کدام‌اند و مدیریت این منابع چگونه انجام می‌شود، مشخص شد که با مدیریت بهینه محلی منابع طبیعی، ارزش‌ها و باورهای محلی شکل‌گرفته در طول تاریخ در انطباق با بهره‌برداری عادلانه و منطقی از توان اکولوژیک منطقه و در قالب همبازی‌های مردمی تداوم یافته است. برای مثال، استفاده از میوه‌های درختان وحشی (بادام، بنه) که منبع مالی قابل توجهی چه از لحاظ استفاده و فروش میوه‌های آن‌ها، چه کاربرد چوب و سرشاخه در ساخت‌وسازها و یا برگ آن‌ها برای خوراک دام‌هاست. طی مصاحبه‌های انجام‌شده هیچ‌یک از افراد شکایت یا ناخشنودی از برخورد دیگران در بهره‌مندی از منابع طبیعی مشترک مانند پوشش گیاهی یا جانوری نداشتند. وجود ارباب در سرآغل، موکلین برای تقسیم آب در آبادی‌ها و کدخدا (در گذشته) در میمند که هماهنگی امور را به عهده داشته و مورد تمکین همه ساکنان بوده، بیانگر مدیریت درست سرزمین بر پایه قوانین عرفی است. با توجه به پراکندگی جمعیت به‌ویژه در سرآغل‌ها و آبادی‌ها و کوچک بودن جوامع زیستی و نیز شرایط دشوار طبیعی، نیاز به مشارکت فعال اهالی بیشتر اهمیت می‌یابد. این مشارکت در فرایند ساخت و تعمیر خانه، کمک در برداشت محصولات باغی، مشارکت در تهیه مواد لبنی و پشم‌چینی دام‌ها و نیز مواردی همچون احداث کل دوشاب برای تهیه شیر انگور در آبادی‌ها و یا کل رنگریزی در بین اهالی، به‌صورت مشترک و عمدتاً توسط مردان و جوانان انجام می‌شود. تنور نان کرونو در بین چند کیچه به‌صورت مشترک ساخته شده تا ضمن همکاری و تقسیم وظایف، در مصرف سوخت (هیزم) نیز صرفه‌جویی شود.

در تدارک زیرساخت‌های مشترک و نگهداری از آن‌ها از جمله شبکه‌های آبیاری، احداث قنات و آب‌انبارها، شبکه‌های دسترسی و رفت‌وآمد (کاشگرها)، توسط فعالیت‌های اجتماعی مشترک محقق شده است. لایروبی قنات‌ها با مشارکت اهالی میسر می‌شد. وجود تعداد تنها دو قایم‌دان در روستای دست‌کند (با توجه به گفته اهالی)، که محل اختفای افراد آسیب‌پذیر در مواقع خطر بوده، نشان از انسجام اجتماعی قوی بین اهالی دارد. همچنین وجود روزنه‌های کوچک بین جداره‌های داخلی هر کیچه با کیچه مجاور که به‌منظور تبادل آتش (و برافروختن هیزم) به‌وفور دیده می‌شوند، از دیگر شواهد انسجام اجتماعی در همسایگی‌هاست. دژهای دفاعی موجود در منطقه نیز در هنگام حمله دشمنان، امکان اتحاد عمل مناسب دفاعی را برای ساکنان فراهم کرده است. همه این امور توسط مدیریت محلی هدایت می‌شد. به‌گفته آقای حسن ابراهیمی اگر در مواردی اختلاف نظری ایجاد می‌شد، به ریش سفید محل که همان کدخدا بود، مراجعه می‌کردند و یا اگر کسی قوانین عرفی (نسخ) را زیر پا می‌گذاشت، سرزنش جامعه خود بهترین تنبیه برای وی بود. در استفاده از منابع و برداشت سنگ نیز منطقه‌بندی وجود داشته است. البته سنگ قبر را همه از کوه تیر خورین برداشت می‌کردند.

تولید مواد غذایی حاصل از کشاورزی و دامداری و انواع غذاهای محلی منحصربه‌فرد در این منطقه، بیانگر خودکفایی کاملی در شیوه‌های ساخت و زیست ساکنان است. نکته قابل توجه فرم چترگونه این درختان است که

همه توسط دامها تغذیه شده و خط صافی را در زیر برگ‌ها به شکل منظم و زیبا و در ارتفاعی متناسب با سطح دسترسی بزها ترسیم کرده‌اند.

هیچ‌یک از مواد و مصالح به‌کارگرفته، از خارج از محدوده وارد نمی‌شد و بر خودکفایی حداکثر استوار بوده است. کاربرد گسترده از چوب‌های دوفاق در ساخت‌وساز از طریق کاشت درختان سنجد و بید که واجد این ویژگی هستند و مقاومت خوبی در مقابل بارش سنگین برف دارند، در راستای این خودکفایی است و مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید داشته‌اند.

همان گونه که در معماری متعارف از خاک فونداسیون حفاری شده برای ساختن آجرها استفاده می‌شده (پیرنیا ۱۳۸۳، ۳۲)، در میمند نیز از مواد و مصالح حاصل از کندن برای ساخت اوریژها^۱ و یا تُل‌های^۲ روی سطح زمین و از شاخه‌های درختان برای پوشش سقف‌ها و میلمان داخلی استفاده شده و حتی نگهداری مواد غذایی نیز به روش‌های محلی انجام می‌شود. استفاده از خمره‌های بزرگ سفالی برای نگهداری مازاد محصول کشاورزی، کاربرد پشم دام در نمدمالی، انواع بافندگی (فرش، گلیم، جاجیم و سَفْتَو^۳) و بهره‌برداری از گیاهان دارویی از جمله صنایع متکی بر منابع محیطی است.

در گفت‌وگوها مشخص شد که در گذشته هریک از سرآغل‌ها بازار فروش مخصوص به خود داشته و بازرگانان سیرجانی یا رفسنجانی محصولات را پیش‌خرید می‌کرده‌اند. امروزه با کاهش تولیدات، محصولات به مصرف خانواده‌ها و در نهایت در شهر بابک به فروش می‌رسند.

همچنین توسعه صنایع دستی با مواد و مصالح بومی و شکل‌گیری فضاهای لازم برای انجام این امور (برای مثال گودهای لازم برای دستگاه‌های کاربافی که به‌منظور تولید منسوجات مورد نیاز در هریک از اتاق‌های دست‌کند میمند ایجاد شده‌اند) از فعالیت‌های مؤثر در معیشت اهالی بوده و این ایده را که در شکل‌گیری و تناسبات فضاها تأثیرگذار بوده است، تقویت می‌کند.

از آنجایی که نوع مصالح به‌کاررفته در بنا در بهینه‌سازی مصرف انرژی تأثیر بسیار دارد، در این منطقه، مصالح می‌بایست به شکلی انتخاب می‌شد تا در آب‌وهوای سرد و خشک روستای میمند و گرم و بیابانی دشت پاسخ‌گو باشد. در واقع، مهم‌ترین اصل در این مورد، نحوه عملکرد جداره‌هاست که بتوانند بیشترین زمان تأخیر را برای انتقال حرارت داشته باشند. به همین دلیل عموماً در این مورد، جداره‌های سنگین توصیه می‌شوند (مداحی، عابدی، و صداقتمند ۱۳۹۶، ۴) با توجه به فرورفتن در دل زمین و استفاده از جداره‌های طبیعی خاک با ضخامت زیاد که از سقف، کف و دیواره‌ها در روستای دست‌کند و از کف و دیواره‌ها در دشت پوشش داده شده‌اند، بیشترین تأخیر را در انتقال حرارت ایجاد کرده و به بهینه‌سازی حداکثری انجامیده است.

علاوه بر اندازه و ابعاد ورودی‌ها، حتی فرم سردر ورودی‌ها و درگاه‌ها از تناسبات و ابعاد انسانی تبعیت می‌کند. ابعاد، کمینه و در اشکال ساده در نظر گرفته شده‌اند. فنون به‌کاررفته نیز در نهایت سادگی انتخاب شده‌اند. برای مثال در ساخت درهای چوبی کیچه‌ها از چوب درختان خشک‌شده باغات و به ساده‌ترین شکل خود بدون چهارتراش کردن آن بهره گرفته‌اند. گل‌میخ‌های فلزی ساخته‌شده توسط آهنگران محلی و یا میخ‌های چوبی ساخت نجارهای محلی زینت‌بخش این درهاست. با توجه به عدم نیاز به حمل مصالح از دوردست، شیوه ساخت‌وساز بسیار اقتصادی است. استفاده از بستر طبیعی به‌عنوان مصالح اصلی ماندگار و بدون تغییر شکل‌پذیری قابل ملاحظه از دیگر مزایای معماری استقرارگاه‌های دشت و روستاست. شیوه ساخت‌وساز در آبادی‌ها نیز با توجه به استفاده از مصالح کاملاً بومی و در دسترس (چوب، برگ سنگ و سنگ‌های قلوه) صرفه اقتصادی قابل قبولی دارد. به‌ویژه آنکه از نیروی کار اهالی استفاده شده و هزینه‌ها به‌نحو چشمگیری کاهش می‌یابد. در این خصوص، همیاری و مشارکت اجتماعی (قرض چوب درختان) که هزینه ساخت را به شکل قابل توجهی کاهش می‌دهد، نباید نادیده گرفت. با توجه به همه این ویژگی‌ها نیاز به سفر و رفت‌وآمد به حداقل می‌رسد که در سرعت ساخت نیز مؤثر خواهد بود.

تنها روزن کپچه‌ها درهای چوبی ورودی‌هاست. ایوان‌ها به‌جز در تراز انتهایی (پاتاق‌ها) جز لاینفک یک کپچه هستند و اجاق عنصری مقدس است که به آن قسم می‌خورند^{۱۱} و در اتاق و در ایوان هر دو وجود دارد. یک کپچه شامل اتاق بُن (اصلی) و انبار، نگهداری موقت حیوانات، اوریز (در فاصله کوتاهی از کپچه و در فضای بیرونی) و پناه‌باد (در صورت لزوم) است.

اتاق‌های متمرکز در حول ایوان، دسترسی‌ها را تسهیل کرده است. برای دسترسی به کپچه‌های پاتاق (که امکان ایجاد اتاقی در طبقه بالا را داشته‌اند)، از پله داخلی استفاده نشده است و دسترسی در بیرون از فضا توسط تنه درختان یا نرده‌بان حاصل می‌شود. در بین جداره‌های واحدهای مختلف همسایگی، معمولاً روزن‌های کوچکی برای رد و بدل کردن اشیاء ریز مورد نیاز و یا آتش، که در زمستان لازم می‌شد، تعبیه شده است.^{۱۱} این شیوه، جابه‌جایی‌ها را به حداقل می‌رساند.

با توجه به عمر بیشتر ساختمان‌های زیرزمینی (مددی و جعفری ۱۳۹۷) استحکام، دوام و پایداری مجموعه در روستا و بخشی از ساخت‌وسازها در دشت، تضمین شده است. در آبادی‌ها و نیز در دشت، سادگی جزئیات و عناصر ساختمانی به‌کاررفته، امکان نگهداری، بازسازی، جایگزینی و تعمیر اجزای ساختمانی را به‌راحتی و با صرف هزینه اندک فراهم کرده است. البته طی مصاحبه‌های انجام‌شده، عمر یک کپر (که به نظر موقت می‌آید) حدود ده سال برآورد شده و این موضوع صرفه اقتصادی، تداوم ساخت و جزئیات اجرایی آن را توجیه می‌کند.

باد و بارش از عوامل طبیعی فرسایش در منطقه، موجب نازک شدن جداره خارجی کپچه‌ها و نفوذ رطوبت به داخل سقف‌ها و در مواردی سوراخ شدن و ریزش آن‌ها شده است. اجرای راهکارهای سنتی برای پوشش این سقف‌ها از نفوذ رطوبت و تخریب بیشتر جلوگیری کرده و به طولانی‌تر کردن عمر کپچه‌ها افزوده است. استادکار محلی میمند، آقای زین‌الدینی معتقد است با برافروختن آتش زیاد در درون فضاها می‌توان رطوبت حاصل در اتاق‌ها را برطرف کرد. تداوم در روشن کردن آتش در طی سالیان متمادی موجب تشکیل غشای ضخیم قیرمانند بر جداره‌های داخلی فضاها شده است که خود در ماندگاری فضا و تطویل عمر بنا بی‌تأثیر نبوده است. اهالی همچنین می‌افزایند که دود حاصل موجب دور کردن حشرات مضر می‌شود. در دو استقرارگاه دیگر نیز با توجه به اینکه از دیوارهای سنگی کمک گرفته شده، پایه بنا از ماندگاری زیادی برخوردار است. برعکس پوشش سقف‌ها به‌دلیل سبک و ساده بودن آن‌ها نیاز به تعمیر و بازسازی مداوم داشته که با توجه به سهولت اجرا و هزینه نسبتاً اندک آن، بازسازی ساده و کم‌هزینه است. خشکه‌چین بودن دیواره‌های سنگی، امکان برچیدن بنا و واچین کردن آن و استفاده مجدد از مصالح، توسعه‌ها و اعمال تغییرات احتمالی را فراهم کرده و امکان طراحی انعطاف‌پذیر را ایجاد می‌کند.

ایجاد واحدهای دست‌کند در دل تپه به شکلی بوده است که ضمن حفظ حریم هر کپچه، استفاده حداکثر از فضاها به شکل متراکم و فشرده برای حفر واحد جدید صورت گرفته است. به‌گفته اهالی این نکته به‌ویژه در زمستان بسیار مفید بوده است؛ زیرا با گرم شدن یک واحد، واحدهای همجوار و سطح بالاتر نیز گرم می‌شود. بدین ترتیب در توسعه‌های انجام‌شده، ضمن بهره‌برداری و مدیریت درست منابع، حفظ یکپارچگی بستر طبیعی که عامل اصلی شکل‌گیری استقرارگاه است، اهمیت یافته است. ضمن اینکه منظر طبیعی نیز به شکل مطلوب حفاظت می‌شود. این نکته برای توسعه در دشت و آبادی‌ها نیز صادق است، به‌طوری که حداقل مداخله در طبیعت با ساخت‌وساز کمینه، مصالح بوم‌آورد و هماهنگ با بستر طبیعی انجام شده است. بهره‌گیری از شیوه‌های طبیعی گرمایشی و روشنایی از دیگر امتیازات سکونتگاه‌های این منظر است. در ارتباط با روشنایی، به‌جای وارد کردن نور به درون اتاق (روش مرسوم)، فعالیت‌ها عمدتاً به بیرون (کپر، ایوان، تفل و فضای باز) منتقل شده‌اند. در خصوص گرمایش نیز استفاده از اینرسی حرارتی طبیعی زمین، مهم‌ترین عامل در کنترل و مدیریت مصرف انرژی بوده است. همچنین استفاده از مصالح بومی مناسب به‌عنوان عایق حرارتی (همچون گیاه جاز) برای پوشش جداره‌ها عمدتاً در آبادی‌ها و در برخی از سرآغل‌ها و هم‌زمان خشک کردن محصولات باغی بر بدنه این جازها راهکار دیگری است که با صرف کمترین انرژی و هزینه در مدیریت بهینه منابع در دسترس مؤثر بوده است.

از آنجایی که یکی از ویژگی‌های اکوتن (Ecotone) به مفهوم «اقلیم با تنش‌های طبیعی»، قرار گرفتن یک محدوده جغرافیایی در مرز آب‌وهوای متفاوت است، استقرار قلمرو میمند واقع در مرز منطقه بیابانی از جنوب و رشته‌کوه تیرخورین از شمال، منطقه کوچکی با تنوع آب‌وهوایی کاملاً متفاوت، قابل توجه است. جنوب این منطقه به صورت دشت (با متوسط ارتفاع ۱۹۰۰ متر از سطح دریا)، مستعد شکل‌گیری مراتع سرسبز شده است. در مرکز با ارتفاع ۲۳۰۰ متر از سطح دریا و با بافتی از گدازه‌های آتشفشانی مناسب شکل‌گیری معماری دست‌کند بوده و در ارتفاعات ۳۰۰۰ متری در شمال منطقه (همراه با چشمه‌ها و آب‌های زیرزمینی، مستعد برای کشاورزی و باغداری)، اکوسیستم مناسبی برای زیست فراهم آمده است که در واقع دلایل انتخاب زندگی کوچ‌نشینی مبتنی بر دامداری، کشاورزی و انتخاب سبک‌های معماری متناسب با بستر طبیعی را در این اکوتن قابل درک می‌کند. بدین ترتیب در شکل دادن به خانه‌ها در دشت که از آب‌وهوای نیمه‌بیابانی برخوردار بوده و فاقد درختان و سایه‌بان‌های طبیعی است، از معماری زمین‌پناه بهره‌جسته‌اند و در روستا با توجه به بافت آذرین نوعی دیگر از معماری دست‌کند شکل می‌گیرد. این شیوه ساخت، بیشترین بهره‌وری انرژی از حیث کاهش سطح خارجی پوسته ساختمان، میرایی بهتر امواج صوتی، لرزشی (مسعودی‌نژاد، طاهباز، و مفیدی شمیرانی ۱۳۹۷، ۵۰) کاهش انتقال حرارتی خاک، افزایش اینرسی حرارتی، ثبات دمای زمین، کنترل میزان هوای ورودی را دارد. این موضوع در بین اهالی خارج از حوزه میمند در منطقه زبانزد است. برخی از مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند که دیگر روستاها می‌گویند «شما را خدا خوبتون کرده، در خانه‌سازی نه اندود لازم دارید و نه گرمایش و سرمایش».

با مطالعه میزان دما در داخل و خارج از فضاهای دست‌کند و اندازه‌گیری به‌وسیلهٔ حرارت‌سنج اختلاف درجه‌حرارت بین ۷ تا ۱۰ درجه مشخص شد. تأکید بر این اختلاف دما در مصاحبه‌ها این مطلب را تأیید کرد. همان‌گونه که سایر تحقیقات نیز نشان می‌دهد هزینه‌های بهره‌برداری برای سرمایش و گرمایش یک سازهٔ زیرزمینی عمیق به‌اندازهٔ ۱۰٪ سازهٔ مشابه روی زمین است (مددی و جعفری ۱۳۹۷، ۳).

ویژگی منحصر به فرد آبادی‌ها در حوزهٔ شمالی منظر فرهنگی، پراکندگی مساکن روستایی در طول دره‌های باریک است، به شکلی که عمدتاً استقرار هر خانه، بشدت تحت تأثیر آب و زمین قابل کشاورزی است. واحدها اغلب به صورت خطی مستقر شده‌اند و تلاش شده است تا محل استقرار خانه، مشرف به باغات و در زمین‌های لم‌پزرع شکل بگیرد. فرم استقرار خانه‌ها در روستای میمند به صورت U شکل در پناه تپه‌ها به دلیل بستر طبیعی مناسب (بستر آتشفشانی) شکل گرفته‌اند. استقرارگاه‌های ساکنان در دشت‌های جنوبی عمدتاً الگویی مشابه مال‌های عشایری داشته و فضاها در محدودهٔ دایره‌ای شکل و در کنار یکدیگر ساخته می‌شوند. به‌گفتهٔ اهالی، انتخاب مکان ساخت در سر آغل با تشخیص ارباب انجام می‌شود تا اصطلاحاً در روند گله و جهت نامناسب باد قرار نگیرد.

نهادینه شدن باورها و اعتقادات مبتنی بر احترام به طبیعت، از عوامل مهم پایداری در این سرزمین بوده است. به شکلی که طبق اعتقاد اهالی، آسیب رساندن به ریشهٔ گیاهان، درختان و یا حیوانات، گناه و بدیمن است. این ویژگی همراه با مدیریت محلی نظام‌مند سرزمین توسط ساکنان از طریق قرق کردن مراتع، کاشت درختان بومی، حفظ پوشش گیاهی و جانوری، مشارکت اصولی در جمع‌آوری میوه‌های خودرو (بند و بادام وحشی)، استفاده از گیاهان دارویی، لایروبی قنات‌ها و... به ارتقای محیط و یکپارچگی هرچه بهتر بستر انجامیده است.

هنوز سرپناه‌های استقرار طولانی‌مدت شکارچیان به شکل دست‌کند و یا ترکیبی مشاهده می‌شوند. در عین حال، اهالی در مصاحبه‌ها، از خاطرات پدرانشان برای حفظ حیات وحش هنگام بارش سنگین برف در زمستان و گذاشتن علوفه برای جانوران و غلات برای پرندگان وحشی در محل تیر خورین یاد می‌کنند. سنتی که در زمستان سخت سال ۱۳۹۵ نیز مشاهده شد. این نکته حاکی از تنوع زیستی و نوع بهره‌برداری مناسب همراه با احترام به طبیعت است. نوع ساخت‌وسازها در این منظر به‌گونه‌ای است که توده و فضا کاملاً در هم آمیخته و تفکیک آن‌ها از یکدیگر بسیار مشکل است. از همین روی در سیمای بصری بافت پیرامون، آسیبی ایجاد نکرده است. مصالح حاصل از کندن زمین در ایجاد فضاهای مورد نیاز روی زمین از جمله تراس‌ها، آبریزگاه‌ها، جان‌پناه‌ها و... بازیافت شده‌اند.

همچنین به کارگیری سیستم خشک‌چینی سنگ در هر سه اقامتگاه (آبریزگاه‌ها، حفاظ‌های سنگی، پناه‌باد، گمبه، مرخانه و...) عملاً استفاده از ملات را منتفی می‌کند. افزون بر آن، امکان استفاده مجدد این سنگ‌ها و بازیافت آن‌ها وجود خواهد داشت.

در پژوهش‌های جهانی سرویس بهداشتی خشک به‌عنوان تکنیکی ارگانیک و مفید برای محیط زیست مطرح شده‌اند که پس از گذشت زمان از پسماندها به‌عنوان کود برای زمین استفاده می‌شود (Depledge 1997, 5; User 2010, 3) در این منطقه نیز برای کاهش پسماند و آلودگی ناشی از آن و نیز کاهش مصرف آب از این نوع توالت‌ها (اوریز) استفاده شده است. مصاحبه‌شوندگان بر اهمیت کود اوریزها و مالکیت شخصی هریک تأکید داشتند. نوع معماری و سبک زندگی با حداقل آب، موجب تولید حداقل دورریز، فاضلاب و آلودگی‌های ناشی از آن شده است.

با توجه به خطرات طبیعی موجود در منطقه از جمله سیل، بادهای مزاحم و زلزله، راه‌حل‌های اتخاذشده در استقرارگاه‌ها به‌ویژه در روستای دست‌کند که از تراکم جمعیتی بیشتری برخوردار بوده، قابل توجه است. پیش‌بینی مسیل برای هدایت آب‌های سطحی، حفر پُله، کانال‌های دست‌کند هدایت آب به رودخانه، حفر راه‌های افقی به نام کاشگر و ایجاد تراس‌هایی در شیب تپه (تُقل)، برای کند نمودن جریان آب‌های سطحی مخرب از جمله راه‌حل‌های پیش‌بینی شده است. از دیگر مخاطرات طبیعی در میمند، سیلاب بوده که برای مدیریت این چالش، خانه‌ها در دامنه‌ها و با ارتفاع منطقی از بستر رودخانه ساخته شده‌اند. دیواره‌های خشک‌چینی سنگی به نام پناه‌باد در جهت بادهای مزاحم، به تعداد مورد نیاز در روستا ایجاد شده‌اند. همچنین در پوشش فضاها از مصالح بنایی سبک استفاده شده تا در موقع سانحه، خطرات جانی و مالی به حداقل کاهش یابد. با توجه به تحقیقات لرزه‌ای در سازه‌های زیرزمینی (Pitilakis and Tsimidis 2013, 4) یکپارچگی همه اجزا و مرکز ثقل پایین‌تر از سطح زمین، نبود الحاقات و زواید خطرآفرین در ساختار معماری دست‌کند، این نوع از معماری را نسبت به معماری روی سطح زمین در مقابل زلزله مقاوم‌تر می‌سازد.

وجود عناصر و فضاهای مشترک در هر سه اقامتگاه، نشانگر حس تعلق ساکنان به مکان است، به‌طوری که علی‌رغم بستر، معیشت و معماری متفاوت با بهره‌گیری از عناصر و اشکال مشترک در ساخت (اوریزها، طاقچه‌ها و تلوارها، روزن‌ها، کپر‌ها، تهیه صنایع دستی مشترک در هر سه اقامتگاه و...) فضاهای مانوس و آشنا ایجاد کرده‌اند. بدین ترتیب دلبستگی به فضا و حس مکان تقویت شده است.

فرهنگ وقف از گذشته در میمند وجود داشته و هم‌اکنون نیز کم‌وبیش وجود دارد. حمام قدیم روستا از مواردی بود که همه مصاحبه‌شوندگان به‌اتفاق، وقفی بودن آن را تأیید کردند. طبق گفته آن‌ها، این حمام وقف عام بوده و نگهداری از آن به یکی از خانواده‌ها سپرده شده و بهره‌برداری از درختان و محصولات همجوار حمام دستمزد آن خانواده بوده است. در اختیار قرار دادن چند کیچه در دوره پهلوی اول به‌عنوان مکتب‌خانه از دیگر مواردی است که طی مصاحبه‌ها حاصل شد. مکتب‌دارها (ملا عبدالله، شیخ الاسلامی، ملانصرالله و شیخ محمود و...) چون دامدار کشاورز بوده‌اند کلاس‌ها را فقط برای آقایان، بعد از نماز مغرب و عشا دایر می‌کرده‌اند ولی چهارشنبه‌ها را نیز به تدریس اختصاص می‌داده‌اند. همچنین تبدیل دو کیچه مسکونی به حسینیه و کیچه اربابی به مدرسه در دهه ۴۰ نشان‌دهنده این همیاری اجتماعی و حاکمیت دستورالعمل‌های اخلاقی و اعتقادی قوی در جامعه بوده است. تداوم در کاشت درخت سنجد یا تایی در قبرستان روستا بعد از مرگ افراد و افزون بر آن ایجاد حوض‌ها و یا کاشت درختان در سایر نقاط به یاد متوفیان، از آدابی است که امروزه نیز به جا آورده می‌شود. آنان معتقدند اگر کسی درخت سبزی را از ریشه درآورد، می‌بایست چهار درخت به‌جای آن بنشانند و مطمئن شود که حداقل دو تایی آن سبز خواهد شد تا خدا او را ببخشد. همچنین معتقدند که بوته جاز (که برای پوشش سقف و دیواره‌ها کاربرد دارد) را هنگامی که سبز است، نباید از زمین جدا کرد.

خودتکایی به داشته‌های محل و کارا بودن این روش، موجب شده تا دانش معماری بومی به‌طور متوالی

از گذشتگان به فرزندان منتقل شده و همه قادر باشند از این قواعد در ساخت‌وسازها و تعمیرات استفاده کنند؛ به‌طوری که معماری یکپارچه و با هویتی خاص را در هر بخش شکل داده و سالیان متمادی این شکل ساخت بدون تغییر ماندگار بماند. در راستای این تداوم فرهنگی، علاوه بر دامداری و کشاورزی، همچنان شاهد حرفه‌های بومی سنگ‌کاری، نجاری، آهنگری، ریسندگی و نمدمالی و... به‌عنوان مشاغل مکمل فرایند تولید و اسکان بوده و قواعد و تجربه آن از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. این حرفه‌ها امروز با وجود تغییرات فراوان در ساختارهای سنتی گذشته، هنوز فعال هستند. فنون آهنگری در گذشته‌های دور در ساخت سلاح و نیز ابزارآلات کشاورزی و در دهه‌های اخیر نیز به‌عنوان یک صنعت سنتی در ساخت ابزار کار مورد استفاده است. نمدمالی نیز که به‌گفته اهالی، سابقه طولانی در منطقه داشته و زمانی میمند قطب تولید نم در منطقه بوده است، با توجه به پشم مرغوب این سرزمین و نیز ریسندگی در طی زمان از طریق والدین به فرزندان منتقل شده که حاکی از نوعی نظام آموزشی استاد به شاگرد (پدر به پسر و مادر به دختر) است.

با توجه به تنوع اکولوژیکی منطقه و واقع بودن میمند در یک اکوتن، سیستم‌های ساختمانی در عین برخورداری از اصول مشترک، با یکدیگر متفاوت‌اند. ولی در اجرای جزئیات از تجارب یکدیگر به‌خوبی کمک گرفته شده است. برای مثال، در اجرای روزن‌ها و یا طاقچه‌ها در هر یک از سه اقامتگاه، به‌رغم تفاوت‌های کلی در تکنیک ساخت، به‌کارگیری مصالح به شکل خلاقانه‌ای شبیه به یکدیگر اجرا شده است. همچنین پوشش مخروطی‌شکل یکسان سقف‌ها، استفاده از چوب‌های دوقاق به‌عنوان مکان تکیه‌گاهی نیروی تیرهای سقف در هر سه مکان، حاکی از انتقال تجربیات و فرهنگ مشترک در منطقه دارد. تکامل در تکنیک‌های ساخت‌وساز را می‌توان به‌وضوح در بناهای دست‌کند در روستا دید. عموماً در کپچه‌های دست‌کند ایجادشده اولیه، اتاق‌ها با اندازه و ابعاد کوچک، بدون ایوان و یا ایوان‌های کم‌عرض حفر شده بودند و فضاهای خدماتی دیگری وجود نداشت. اما در دو سده گذشته با توجه به نیازهای جدید و نیز تکامل تکنیک کند، اقدام به احداث مسجد، حسینیه و حمام دست‌کننده و فضاهای جدید، متفاوت و بزرگ‌تر همراه با ستون‌های تراشیده‌شده و در مواردی نورگیرهایی عریض و عمیق نمودند. حتی می‌توان معماری زمین‌پناه در دشت را نتیجه تجربه موفق انجام‌شده در روستای دست‌کند دانست که با اشراف به اینرسی و آسایش حرارتی مناسب تجربه‌شده در روستای دست‌کند، با توجه به شرایط زیستی و اکولوژیکی متفاوت و جدید و با به‌کارگیری این اصول، فرهنگ متفاوت ساخت و معماری بی‌بدیل را آفریده است.

استفاده از آسایش حرارتی فضاهای دست‌کند در صنعت بافندگی نیز از دیگر خلاقیت‌های این مکان است. در واقع روستای دست‌کند را می‌توان کارخانه کاربافی نامید. در هر یک از واحدهای مسکونی این مجموعه، حداقل یک اتاق با ملزومات دستگاه کاربافی تجهیز شده بود و گودهای کاربافی موجود در اتاق اصلی هر واحد این نکته را به اثبات می‌رساند. البته آسایش حرارتی و دمای نسبتاً ثابت فضاهای دست‌کند فضای مطلوبی را برای این کار فراهم کرده است (Deffontaine 1972, 15). زیرا برای ارتقای کیفیت یک بافته، نیاز به حداقل نوسانات دمایی و انقباض و انبساط حداقل تارپوده‌هاست. کارگاه‌های عبابافی محمدیه ناین نیز به همین دلیل در دل زمین حفر شده‌اند (Ashrafi 2008, 71). وجود باورها و دانش سنتی در زمینه‌های مختلف در اجتماع میمند، موجب ماندگاری آن شده است. برای مثال تداوم تهیه صنایع دستی در بسیاری موارد به‌صورت مشارکت جمعی (دستی‌بافی، ریسندگی و...)، تداوم پرشور مراسم آیینی در ایام عاشورا و تاسوعا در روستا یا حضور خیل عظیمی از میمندی‌ها (که حتی در شهر بابک و سایر شهرها ساکن شده‌اند)، احترام به سنت‌ها از جمله آیین پُرسه در هنگام فوت آشنایان، تداوم گویش، وجود خوراک‌های خاص محلی، همه از ارزش‌های معنوی است که تداوم حیات این منظر را تا به امروز تضمین کرده است. اگرچه امروزه تعداد کمی از خانوارها در میمند ساکن هستند، رویدادها و وقایع فرهنگی، اجتماعی ویژه‌ای در حوزه مراسم مذهبی، آیین باستانی، شروع فعالیت کوچ و انتقال در فصول مختلف، از جمله تاریخ‌های ثبت‌شده است که طی سنت‌های ویژه سال‌ها ادامه داشته و از طریق آموزش جوانان (عموماً در خانواده‌ها) منتقل شده است.

پاسخ‌های حاصل از مصاحبه‌ها در مورد خاطرات کودکی عمدتاً با فعالیت‌های اجتماعی همچون پی‌موند متوسط دو فرسنگ فاصله سرآغل به روستا برای شرکت در کلاس درس روزانه به اتفاق همکلاسی‌ها، مشارکت در تهیه محصولات، نشستن به دور آتش و شنیدن خاطرات بزرگ‌ترها در عین تماشای غروب، بر این ارزش‌ها تأکید دارند. از طرفی در موضوع مطرح‌شده با مصاحبه‌شوندگان در خصوص مهارت‌های فردی شاخص در بین اهالی مشخص شد که به‌جز مهارت‌هایی همچون نجاری، نمدمالی و آهنگری، همه اهالی باید از سطحی گسترده و کاربردی از دانش سنتی خودکفا باشند. به عبارتی بحث تخصص که امروزه تحت عنوان فنون مختلف از یکدیگر تفکیک شده، در چنین جوامعی، کمتر بخشی و صنفی شده است. چنین عرفی از همه‌فن‌حریفی، راز ماندگاری و استمرار سنن و مهارت‌های زندگی را روشن می‌سازد.

۵. بحث

در این بخش از تحقیق، با توجه به بررسی اصول معماری پایدار در استقرارگاه‌های منظر فرهنگی میمند و بررسی‌های انجام‌شده، سه رکن اساسی پایداری (اجتماع، اقتصاد و محیط زیست) در معماری استقرارگاه‌های سه‌گانه میمند مورد بررسی قرار گرفت. از مشکلات کار نقش و تأثیر هر یک از این ویژگی‌ها بر دیگری بود که تفکیک آن‌ها در سه نظام دسته‌بندی مرسوم و مؤلفه‌های زیرمجموعه‌شان را دشوار می‌ساخت. با این حال تلاش شد با توجه به نقش پررنگ‌تر آن‌ها در یک وجه و با تکیه بر دیدگاه مصاحبه‌شوندگان و مشاهدات میدانی عمیق، این ویژگی‌ها دسته‌بندی شوند. با مشاهده پایداری در سه استقرارگاه منظر فرهنگی میمند با وجود بستر طبیعی، معیشت و اقتصاد مختلف و ثابت بودن اجتماع در آن‌ها ارتباط تنگاتنگ و نقش مؤثر اجتماع در نظام اقتصادی و فرهنگی در منظر فرهنگی میمند به‌روشنی ملاحظه شد. به این ترتیب حضور و همراهی اجتماع در هر یک از نظام‌های اقتصادی و فرهنگی تاریخی ضرورت یافته و توصیه شد. از این روی طرح سه نظام اجتماعی معیشتی، اجتماعی فرهنگی تاریخی و محیط زیستی مناسب تشخیص داده شد. در اینجا با توجه به بافت روستایی مورد مطالعه، معیشت جایگزین اقتصاد شد و به‌لحاظ تاریخی بودن روستا، همراهی واژه تاریخی در کنار فرهنگ تأکید بیشتری بر میراثی بودن آن نمود. با توجه به برداشت‌های میدانی تحقیق که برآیند جمع‌بندی نظریات مصاحبه‌شوندگان و نیز حاصل مشاهدات مستمر میدانی بود، رمز پایداری در نظام اجتماعی فرهنگی تاریخی میمند در مؤلفه‌های پایبندی به اصول اعتقادی، باورها و دستورالعمل‌های عرفی، تداوم و انتقال فرهنگ ساخت‌وساز بومی، مدیریت محلی مناسب و همبستگی اجتماعی از سایر مؤلفه‌ها بارزتر بود (تصویر ۱۶). در نظام محیط زیستی مهم‌ترین مؤلفه‌ها، احترام به طبیعت، بهره‌مندی مناسب از منابع طبیعی، کاهش آلودگی، تنظیم شرایط محیطی بهینه و مدیریت کاهش تأثیر خطرات طبیعی، نمود بیشتری داشته است (تصویر ۱۷). در نظام اجتماعی معیشتی نیز ساخت‌وساز بهینه و کنترل و مدیریت منابع، ساخت ارزان و استفاده از مواد و مصالح بوم‌آورد، سنت و دانش بومی ساخت، نقش پررنگی را ایفا می‌کرد (تصویر ۱۸).

حفظ و ترویج آیین‌های اجتماعی و تداوم در عمل به آداب سنتی،
استمرار مشارکت اجتماعی

۳. مقطع شماتیک از کل دوشاب دست کند
۴. تهیه شیرۀ انگور با مشارکت اهالی



همبستگی اجتماعی و تعلقات محیطی، حفظ و ترویج آیین‌های
اجتماعی و تداوم در عمل به آداب سنتی

۱. مقطع شماتیک کرنو
۲. پخت نان محلی (کرنو)
به صورت مشترک



حفظ و ترویج آیین‌های اجتماعی و سنن شفاهی، تقویت تعلقات
محیطی و حس مکان

۶. مراسم عاشورا در میمند



درگیر کردن نسل جوان در فرایند ساخت و تولید و مهارت‌های
بومی، وجود نظام آموزشی استاد و شاگرد

۵. حفظ و تداوم فعالیت‌های اجتماعی از جمله نمدالی



مدیریت بهیمنه تحولات، احترام و حفظ حقوق جمعی و تقویت همبستگی اجتماعی و تعلقات محیطی



۷. چیدمان فضایی یک سرآغل مؤثر در کنترل و نظارت عمومی بر دام

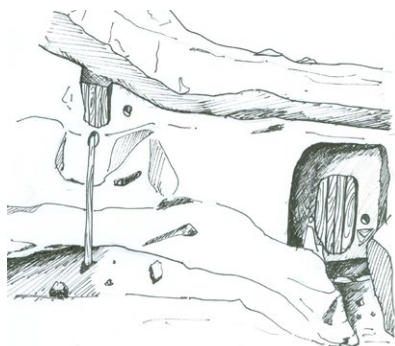
تصویر ۱۶: نظام اجتماعی فرهنگی تاریخی (مأخذ تصاویر ۲، ۴، ۵ و ۶: آرشیو پایگاه میراث فرهنگی میمند)

<p>توجه به خطر سیل در محل و تعبیه مسیل</p>  <p>۳. مسیل بن میمند برای دفع آبهای سطحی</p>	<p>استفاده حداکثر از موقعیت و شکل بستر طبیعی زمین، شیوه‌های طراحی همساز با اقلیم، یکپارچگی در ریخت‌شناسی و انطباق با شرایط طبیعی، بهره‌مندی از گرمایش و سرمایش طبیعی</p>  <p>۱. مقطع شماتیک از نحوه استقرار کیچه‌ها در بستر طبیعی</p>  <p>۲. پلان و مقطع شماتیک کیچه صفر زینل در بن میمند</p>
<p>دفع آبهای سطحی و مدیریت آبهای روان</p>  <p>۵. کاهش فرسایش آبهای سطحی با حفر کاشکر و تسهیل مسیر رفت‌وآمد</p>	<p>طراحی همساز با محیط، استفاده از مصالح بوم‌آورد، استفاده از اینرسی حرارتی خاک</p>  <p>۴. پلان و مقطع شماتیک از مرخانه در سرآغل‌ها</p> 
<p>استفاده و مدیریت بهینه از منابع، ایجاد حداقل مواد زاید در طبیعت در طی زمان و مداخله کمینه</p>  <p>۷. استفاده از مصالح حفرشده برای ساخت تفل و اوریز (بازیافت مصالح و کاهش فرسایش آبهای سطحی) دربنه</p>	<p>استفاده از مصالح بوم‌آورد، طراحی همساز با محیط</p>  <p>۶. پلان یک واحد مسکونی و مقطع شماتیک از چهل‌مرد در آبادی دربنه</p> 

تصویر ۱۷. نظام محیط زیستی (مأخذ تصویر ۴ ایزدپناه ۱۳۸۱)

وجود فضاهای معماری متناسب با فعالیت‌های تولیدی

۳. دسترسی بیرونی بالاخانه‌ها (محل انبار محصولات دامی و کشاورزی) در خانه‌های پاتاق



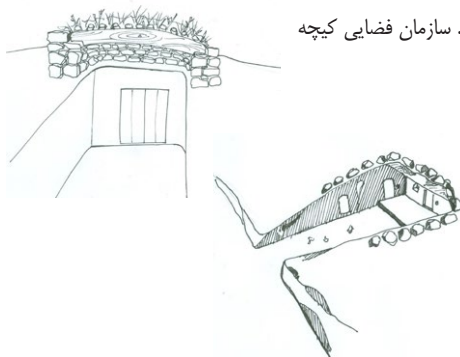
استفاده بهینه از مصالح و بستر طبیعی، وجود مهارت‌های بومی ساخت در محل، ساخت محکم و پایدار بنا سیستم‌های ساخت‌وساز مناسب با توجه به شرایط محلی

۱. نمای یک سردر در روستا
۲. تبعیت اندازه و ابعاد ورودی‌ها از تناسبات انسانی



دسترسی سریع به فضاها و کاهش رفت‌وآمدها

۶. سازمان فضایی کیچه



امکان جایگزینی منظم عناصر ساختمانی با استفاده از مواد و مصالح در دسترس، استفاده از مصالح باز یافت‌پذیر، تعمیرپذیری و نگهداری مستمر



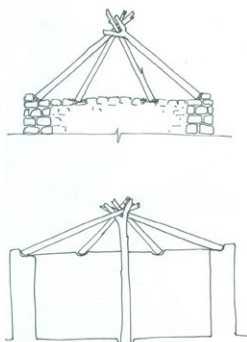
۴. انواع خشکه‌چینی سنگ



۵. انواع خشکه‌چینی سنگ

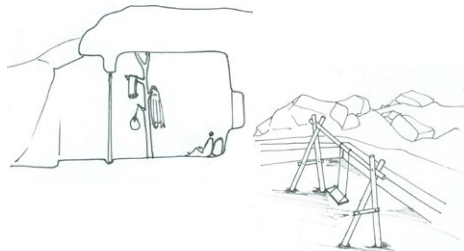
استفاده از فنون ساده در روند ساخت، ارزان بودن و سرعت ساخت

۸. استفاده از چوب‌های دوفاقی و سنگ محل



دانش بومی و تکنیک‌های بهینه در استفاده از مصالح

۷. استفاده از مصالح بوم‌آورد (چوب‌های دوفاقی و سنگ محل طبیعی، بستر)



تصویر ۱۸: نظام اجتماعی معیشتی (مأخذ تصاویر ۲ و ۴: آرشیو پایگاه میراث فرهنگی میمند)

با توجه به خوانش استقرارگاه‌های سه‌گانه منظر فرهنگی میمند و با تأکید بر عوامل مؤثر پایداری در شکل‌گیری آن‌ها، اکنون می‌توان ویژگی‌های پایداری در معماری‌های شکل‌گرفته را در جدول ۲ جمع‌بندی کرد.

جدول ۲: ویژگی‌های پایداری در معماری استقرارگاه‌های منظر فرهنگی میمند

نظام	مؤلفه	معیار	نظام	مؤلفه	معیار	
نظام اجتماعی، فرهنگی و تاریخی	پایبندی به اصول اعتقادی، باورها و دستورالعمل‌های عرفی اخلاقی در جامعه	رفتار مناسب و احترام به دستورالعمل‌های اخلاقی	کاهش آلودگی و کیفیت سلامت	شبهه‌های بومی نگهداری و افزایش طول عمر و دوام بناها	ایجاد حداقل مواد زاید در طبیعت در طی زمان	
		تداوم در عمل به آداب سنتی		استفاده از مواد بازیافت		
		مسئولیت‌پذیری در برابر نسل‌های آینده		کاهش هدررفت انرژی		
		تقویت حس تعلق به مکان				
		احترام و حفظ حقوق جمعی و عدالت‌محوری				
	انتقال، تداوم و ارتقای فرهنگ ساخت و تولید	وجود بایدها و نبایدهای متضمن حفظ سنت زیست	کاهش تأثیر خطرات طبیعی	استفاده بهینه از منابع انرژی	استفاده از شبهه‌های طراحی همساز با اقلیم	گرمایش طبیعی و درون‌زا
		درگیر کردن نسل جوان در فرایند ساخت و تولید و مهارت‌های بومی				
		احترام به اصول به‌کاررفته در طراحی‌های بومی				
		وجود نظام آموزشی استاد و شاگرد در ابعاد مختلف				
		انتقال تاریخ و ارزش‌های فرهنگی به فرزندان				
مدیریت محلی و مدیریت تغییر	مدیریت بهینه تغییر و تحولات	ساخت و سوساز بهینه	ارزان بودن ساخت و سوساز	استفاده جمعی از فضاها	بهینه‌سازی استفاده از زمین و مصالح	
	حفظ و ترویج آیین‌های اجتماعی و سنن شفاهی					
	ارتقای فرایند تولید و ساخت و سوسازها به‌عنوان ارزش‌های فرهنگی					
	تقویت همبستگی اجتماعی و تعلقات محیطی به مناسبت‌های مختلف با تجمع جوامع در محل					
	استمرار و ارتقای مشارکت اجتماعی					
نظام اجتماعی بهینه	احترام به طبیعت	استمرار در التزام عملی به باورهای دینی مرتبط با طبیعت	کنترل و مدیریت منابع	سرعت مناسب ساخت	تعمیرپذیری سهل و کم‌هزینه	
		وجود باورها و اعتقادات مربوط به عوامل طبیعی		وجود مهارت‌های بومی ساخت در محل		
		استمرار در تعهدات جامعه محلی نسبت به محیط زیست		طراحی منعطف بناها برای تغییرات و توسعه‌های احتمالی		
		مدیریت بهینه از منابع		ساخت محکم و پایدار بنا		
		استفاده از مصالح بوم‌آورد		استفاده از مصالح بازیافت‌پذیر		
	بهره‌مندی از منابع طبیعی	طراحی همساز با محیط	حداقل مصرف منابع طبیعی		وجود سیستم‌های ساخت و سوساز مناسب با توجه به شرایط محلی	
		انتخاب فرم مناسب استقرارگاهها				
		یکپارچگی در ریخت‌شناسی و انطباق با شرایط طبیعی				
		مداخله کمینه در طبیعت				
		قابلیت احیا و بازسازی				
استفاده حداکثر از موقعیت و شکل بستر طبیعی زمین						

نتیجه

این تحقیق که به دنبال شناخت ابعاد، شاخص‌ها و ویژگی‌های پایداری در میراث معماری بومی منظر فرهنگی می‌مید بود، نخست از طریق اسناد و مطالعات داخلی و بین‌المللی، به شناخت نسبی در خصوص پایداری در میراث بومی روستایی دست یافته و سپس در مطالعه موردی و از طریق بررسی‌های میدانی دقیق و درون‌نگر حاصل حضور مستمر در طی چند سال و مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته، ویژگی‌های پایداری این منظر را که متشکل از ساختارهای معماری متفاوت ولی برگرفته از فرهنگ و اجتماعی مشترک در سه محیط با شرایط اقلیمی جغرافیایی متفاوت است، بررسی کرد. تحقیق حاضر نشان داد که بررسی ابعاد مختلف پایداری (اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی) در یک مجموعه بومی به شکل مجزا و تفکیک‌شده، کاری بسیار سخت است. این عوامل چنان به شکل درهم‌تنیده‌ای با یکدیگر گره خورده‌اند که تشخیص برهم‌کنش‌ها و علت و معلولی آن‌ها بسیار دشوار است. ادراک صحیح از این روابط تنها با درک عمیق از زندگی مردم جامعه مورد تحقیق میسر خواهد شد. از طرفی روشن است که برقراری تعادل در ارکان مختلف پایداری راز ماندگاری و پایداری در مجموعه‌های زیستی و در اینجا می‌مید است. نقش نظام اجتماعی در برقراری این تعادل، یکپارچگی و پایداری منظر بسیار تعیین‌کننده بوده است. در منظر فرهنگی می‌مید مشاهده شد به‌رغم بستر طبیعی و معیشتی (دو رکن مهم پایداری) متفاوت، هیچ نوع گسست اجتماعی فرهنگی در نحوه زیست این اقامتگاه‌ها رخ نداده و جامعه با توجه به تغییر و تحولات بی‌شمار، از درهم‌تنیدگی و یکپارچگی قابل توجه این سه رکن بهره‌مند است. به همین سبب ابعاد پایداری در اینجا به اجتماعی فرهنگی تاریخی، اجتماعی معیشتی و محیط زیستی ترسیم شد. سبک خاص معماری‌های منظر فرهنگی می‌مید که در قالب میراث فرهنگی مبتنی بر بستر فرهنگی جامعه محلی شکل گرفته است، ارتباط تعاملی بین پایداری و شخصیت معماری بومی متمایز با معماری سایر نقاط را نشان می‌دهد. بنابراین طراحی پایدار می‌بایست با در نظر گرفتن تفاوت مکان‌ها، به معماری خاص هر محل منجر شود و از یکسان‌سازی بپرهیزد. اصالت یک معماری بومی که با انتقال پیام حاوی ارزش‌های برگرفته از فرهنگ‌های اجتماع، حفظ و تداوم می‌یابد، به پایداری آن معماری منجر می‌شود. حفظ و تداوم اصالت به‌منزله بقا و پایداری آن خواهد بود. این اصالت که حاوی ارزش‌های مختلف است، در هر جامعه بومی و سنتی زنده، در قالب دستورالعمل‌های اعتقادی و اخلاقی تبلور یافته و همه افراد جامعه در سایه مدیریت محلی درون‌زا، خود را ملزم به احترام و رعایت آن می‌دانند. بررسی‌ها در می‌مید نشان داد که وجود و التزام به این دستورالعمل‌های نانوشته و مدیریت خودجوش محلی در ابعاد مختلف با وجود تغییرات عدیده، پایداری آن جامعه را تضمین می‌کند. بنابراین موفقیت در برنامه‌ریزی و اقدامات اعم از توسعه‌ای و یا حفاظتی مستلزم درک درست از این آداب و احترام به آن‌ها در چهارچوب این دستورالعمل‌ها خواهد بود. معنای پایداری در معماری تنها به عوامل کالبدی همچون مواد مصالح و یا حفظ انرژی محدود نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت ویژگی‌هایی که در شکل‌گیری متمایز معماری می‌مید تأثیر اساسی داشته است، نوع فعالیت‌ها و سبک زندگی، پایبندی به اصول اعتقادی و دستورالعمل‌های عرفی جامعه، مدیریت همه‌جانبه و یکپارچه محلی و استفاده بهینه از منابع طبیعی است که به‌نحو بارزی به ساخت‌وساز بهینه و سازگار با محیط منجر شده و در نهایت به معماری آن پایداری بخشیده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مَرخانه یا چهل‌مرد و کپر، سه فضای اسکان خانواده در سرآغل‌هاست که بسته به نیاز تدارک دیده می‌شوند. تفاوت چهل‌مرد با مَرخانه، وجود ستون چوبی قطوری است که در مرکز فضای مَرخانه قرار گرفته و بار تیرهای چوبی پوشش‌دهنده سقف، از این نقطه به دیوارها منتقل می‌شود.
۲. سه فضای کوز، در کوز و تلگرد محل نگهداری دام است. دو فضای نخست در زمین حفر شده و از ابعاد کوچکی برخوردار است. تلگرد فضای باز محصورشده با ترکه درختان و محل نگهداری دام‌ها به‌صورت مشترک است.
۳. گمبه فضای سنگ‌چین مسقف برای اسکان در آبادی‌هاست.

۴. کوزاردون یا پروار بند محل نگهداری و پروار تعداد محدود دام در آبادی‌هاست که در جوار گمبه ساخته می‌شود.
۵. در اصطلاح محلی، هر واحد دست‌کند به کیچه معروف است. هر کیچه شامل راهرو ورودی و اتاق‌هاست.
۶. قوانین و مقررات عرفی در جامعه محلی میمند به نسخ معروف است.
۷. اوریز در اصطلاح محلی به آبریزگاه‌ها (سرویس‌های بهداشتی) اطلاق می‌شود.
۸. نُقل فضای مسطح‌شده در شیب تپه است که نقش مهمی در کاهش سرعت آب‌های سطحی دارد و از آن برای خشک کردن محصولات و انجام امور روزانه استفاده می‌شود.
۹. سَفَتو سبدهای بافته‌شده از چوب درخت بادام وحشی (= مَر در اصطلاح محلی) است.
۱۰. قسم به اجاقی که روشن است و یا اگر در آتش بریزی برکت از خانه می‌رود، از ضرب‌المثل‌های میمند است.
۱۱. در مصاحبه‌های انجام‌شده، آقای حسین شمس‌الدینی علت این روزن‌ها را تبادل آتش در مواقع بدی آب‌وهوا ذکر کرده و رواج ضرب‌المثل «مگر به‌دنبال آتش آمده‌ای» در محل را مصداق واقعی آن می‌داند.

منابع

- آزادیان مرضیه، و مرضیه مؤمن‌نسب. ۱۳۹۴. ادراک دانشجویان پرستاری از چالش‌های حرفه‌ای، یک مطالعه کیفی (تحلیل محتوا). *مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد* ۱۰ (۱): ۱۲-۲۵.
- اشرفی، مهناز. ۱۳۹۱. مداخلات حفاظتی در سکونتگاه‌های دست‌کند. *اثر* (۵۸): ۲۴-۳۰.
- اکرمی، غلامرضا، و سجاد دامیار. ۱۳۹۶. رویکردی نو به معماری بومی در رابطه ساختاری آن با معماری پایدار. *هنرهای زیبا* ۲۲ (۱): ۲۹-۴۰.
- اکرمی، غلامرضا، و لیلا علیپور. ۱۳۹۵. نقش مصالح بومی در معماری پایدار از دیدگاه زیست‌محیطی. *مسکن و محیط روستا* (۱۵۶): ۲۹-۴۸.
- ارمغان، مریم، و یوسف گرجی مهلبانی. ۱۳۸۸. ارزش‌های معماری بومی ایرانی در رابطه با رویکرد معماری پایدار. *مسکن و محیط روستا* (۱۲۶): ۲۰-۳۵.
- امین‌زاده، بهناز. ۱۳۸۲. تأثیر زیست‌شناسی و اکولوژی در معماری. *فصلنامه معماری و فرهنگ* (۱۳): ۱۸-۲۲.
- ایزدپناه، فرزین، ۱۳۸۱. *مطالعات معماری میمند*. آرشو پایگاه میراث فرهنگی میمند.
- بهرامی، رحمت‌الله. ۱۳۹۰. تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی استان کرمانشاه. *مسکن و محیط روستا* (۱۹۴): ۹۵-۱۰۴.
- بهرامی، نسیم، آمنه یعقوب‌زاده، محمدعلی سلیمانی، و هادی رنجبر. ۱۳۹۴. محقق به‌عنوان ابزار در تحقیقات کیفی: چالش‌ها و فرصت‌ها. *نشریه علمی‌پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی* ۲۵ (۹۰): ۲۷-۳۷.
- بیرانوند، مسلم. ۱۳۹۰. *بازشناسی معماری پایدار و جایگاه آن در دستیابی به اهداف توسعه پایدار*. ماهنامه دانش‌نما (۱۹۶-۱۹۷): ۷۲-۷۹.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۳. *سبک‌شناسی معماری ایران*. تهران: معمار.
- جعفری نجف‌آبادی، عاطفه، و حسین مهدوی‌پور. ۱۳۹۲. نقش تکنولوژی‌های بومی در کیفیت فضاهای مسکونی. *مسکن و محیط روستا* (۱۴۱): ۵۱-۶۸.
- خلیل یحیوی، پوراندخت. ۱۳۵۷. بررسی مسائل انسانی، اجتماعی و اقتصادی روستای میمند. *بررسی‌های تاریخی* ۱۳ (۱): ۱۴۱-۱۷۴.
- دادخواه، مهیار. ۱۳۸۴. گذری در گستره معماری بومی، نگاهی به تصویرها و پدیده‌ها، معماری بومی. تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی فضا.
- رضایی، مسعود، بهزاد وثیق، و ابراهیم مرادی. ۱۳۹۳. جایگاه الگوهای معماری پایدار در معماری بومی روستایی، مطالعه موردی: روستای هلسم. *نشریه فرهنگ ایلام* (۴۴ و ۴۵): ۵۸-۷۷.

- رضایی، مسعود، و وحید کهزادیان. ۱۳۹۵. جستاری بر عوامل شکل‌دهنده معماری بومی منازل روستایی، مطالعه موردی: روستاهای کوهستانی استان‌های ایلام، کرمانشاه و کردستان. نشریه مطالعات هنر و علوم انسانی (۱۰): ۶۴-۵۱.
- رمضان‌نژاد قادی، رضا. ۱۳۸۵. گزارش طرح پژوهشی مطالعه پوشش گیاهی میمند. مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی میمند. زاهدی، شمس‌السادات. ۱۳۸۹. توسعه پایدار. چ ۳، تهران: سمت.
- سرتیپی‌پور، محسن. ۱۳۸۴. شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران. نشریه هنرهای زیبا (۲۲): ۴۳-۵۲.
- صادق احمدی، مهدی، رضا ابویی، و هادی ندیمی. ۱۳۹۶. هفت مفهوم مؤثر در اسناد بین‌المللی حفاظت پس از منشور ونیز بر حفاظت از میراث روستایی. دوفصلنامه علمی پژوهشی مرمت و معماری ایران ۷ (۱۳): ۶۱-۴۹.
- ضرغامی، اسماعیل، علی خاکی، و سیده اشرف سادات. ۱۳۹۵. بررسی تطبیقی معماری پایدار و مطابقت آن با معماری بومی خانه‌های سنتی در شهر ایرانی- اسلامی. نشریه معماری و شهر پایدار ۴ (۱): ۱۵-۳۰.
- عالمی، بابک، شهرام پوردیبهیمی، و سعید مشایخ فریدنی. ۱۳۹۵. سازه، فرم و معماری. دوفصلنامه مطالعات معماری کاشان (۹): ۱۲۳-۱۴۰.
- فدایی‌نژاد، سمیه، و پرستو عشرتی. ۱۳۹۳. واکاوی مؤلفه‌های بازشناخت اصالت در حفاظت میراث فرهنگی. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی ۱۹ (۴): ۷۶-۸۸.
- قبادیان وحید. ۱۳۷۷. بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- گرجی مهلبانی، یوسف. ۱۳۸۹. معماری پایدار و نقد آن در حوزه محیط زیست. نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران (۱): ۹۱-۱۰۰.
- گلابچی، محمود، و آیدا زینالی فرید. ۱۳۹۱. معماری آرکی‌تایی (کهن‌الگویی). تهران: دانشگاه تهران.
- مداحی، سید مهدی، محمدحسین عابدی، و اعظم صداقت‌مند. ۱۳۹۶. بهره‌گیری از مصالح بومی- سنتی به‌منظور بهینه‌سازی مصرف انرژی حرارتی ساختمان؛ نمونه موردی: بافت مسکونی- تاریخی بیلند گناباد. فصلنامه علمی تخصصی معماری سبز (۷): ۱-۲۰.
- مددی، حسین، و الهام جعفری. ۱۳۹۷. معماری زمین‌پناه مسیری به‌سمت معماری پایدار به‌ویژه در اقلیم گرم و خشک. معماری سبز (۱۰): ۱-۱۰.
- مسعود، محمد، عیسی حجت، و شهریار ناسخیان. ۱۳۹۰. جایگاه اصالت در مرمت بافت. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر (۹): ۲۷۱-۲۸۳.
- مسعودی‌نژاد، مصطفی، منصوره طاهباز، و سید مجید مفیدی شمیرانی. ۱۳۹۷. بررسی رفتار حرارتی شوادان؛ نمونه موردی: خانه سوزنگر دزفول. دوفصلنامه مطالعات معماری ایران (۱۳): ۴۹-۷۰.
- هاشم‌نژاد، هاشم، و صلاح‌الدین مولانایی. ۱۳۸۷. معماری با نگاهی به آسمان. نشریه هنرهای زیبا (۳۶): ۱۷-۲۶.
- یوکیلهتو، یوکا. ۱۳۸۷. تاریخ حفاظت معماری. ترجمه خشایار بهاری و محمدحسن طالبیان. تهران: روزنه.
- Andrews, Thomas D., and Buggey Susan. 2008. Authenticity in Aboriginal Cultural Landscape. *APT Bulletin*: 63-70.
- Ashrafi, Mahnaz. 2008. *Architecture troglodytique, Approches et sauvegardes*. University of Geneva.
- Burra Charter. 2013. *The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance*.
- Carlos D., Gilberto, Correia Mariana, Dipasquale Letizia, Guillaud Hubert, and Mecca Saverio. 2014. *Research method and operative approach. Versus Heritage for Tomorrow. Vernacular Knowledge for Sustainable Architecture*. Firenze University Press: 22-32.
- CFPTLHC. 2016. *Federal Provincial Territorial Ministers of Culture and Heritage in Canada. Resilience: Practical Guidelines for the Sustainable Rehabilitation of Buildings in Canada*.
- Correia, Mariana. 2014. *Lessons from vernacular heritage in the European context* (France. Italy. Portugal. Spain).

- Correia Mariana, Dipasquale Letizia, and Mecca Saverio. 2014. *Versus Heritage for Tomorrow*. Vernacular Knowledge for Sustainable Architecture. Firenze University Press.
- Defontaines, Pierre. 1972, *L'homme et sa maison*, Éditions Gallimard.
- Depledge, Derrick. 1997. *Design examples of waterless composting toilets*. UNDP.
- Di Fazio, and Modica. 2018. *Historic Rural Landscapes: Sustainable Planning Strategies and Action Criteria*. The Italian Experience in the Global and European Context, Publishing, Editors: Michele Maugeri Claudio.
- Hashemi, Morteza, Khabbazi Basmenj Amir, and Banikheir Mehrdad. 2018. Engineering geological and geoenvironmental evaluation of UNESCO World Heritage Site of Meymand rock hewn village Iran. *Environmental Earth Sciences*. 77: 3. Springer.
- ICHHTO. 2012. *Nomination of the Cultural Landscape of Maymand for Inscription on the World Heritage List*. UNESCO.
- ICOMOS Charter on the Built Vernacular Heritage. 1999.
- New Zealand Charter. 2010. For the Conservation of Places of Cultural Heritage Value. ICOMOS.
- The Paris Declaration On heritage as a driver of development Adopted at Paris. 2011. UNESCO headquarters. ICOMOS.
- The Nara Document on Authenticity. 1994. ICOMOS.
- Jokilehto Juka. 2005. Definition of Cultural Heritage, ICCROM Working Group Heritage and Society. Italy.
- Jakhelln Gisle. 2014. Defining sustainable architecture. In *Versus Heritage for Tomorrow*, Vernacular Knowledge for Sustainable Architecture. Firenze University Press.
- Petzet Michael. 1999. Principles of Monument Conservation. ICOMOS. Nationalkomitee der Bundesrepublik Deutschland.
- Ptilakis, Kyriazis, and Tsinidis Grigorios. 2013. *Earthquake Geotechnical Engineering Design*. Springer.
- Rössler Mechtild. 2003. Linking Nature and Culture: World Heritage Cultural Landscapes. In *World Heritage Papers 7*. Cultural Landscapes: the Challenges of Conservation. UNESCO World Heritage Centre: 10-16.
- Sauer Carl Ortwin. 1925. *The morphology of landscape*. University of California Publications in Geography.
- The Declaration of San Antonio. 1996. ICOMOS.
- User Guset. 2016. TDM Toilettes du monde. 2010. Summary. Household Dry Toilets. www.fliphtml5.com/dvwf/wpiu.
- Wijesuriya G. 2015 . The Living Heritage Approach. ICCROM. http://www.iccrom.org/wpcontent/uploads/PCA_Annexe-1.pdf. (Retrieved Dec 27.2016).